

## سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

پنجاه و دو روز

اسفندماه ۱۳۶۲

دوره جدید، سال دوازده شماره - ۱۵

سر مقاله

### مرحله جدید جنگ و چشم انداز تحولات سیاسی آینده

طی چند هفت اخیر جنگ بیندولت‌های ایران و عراق ابتداء نوینی بخود گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی که حداکثر توان و ظرفیت انسانی، تبلیغاتی و تدارکاتی خود را برای حمله نیایی و نبرد قطعی بخداست گرفته است. اوائل اسفندماه حمله جدید خود را آغاز کرده. مرحله جدید جنگ بنا بر دلایل متعدد برای رژیم جمهوری اسلامی یک مرحله حاسم و تعیین کننده است. در مقاله ۲

### سال نورا به سال پیروزی توده ها مبدل سازیم

کارگران و زحمتکشان خلق‌های سراسر ایران، از جمله خلق کرده نیز، با آغاز سال نو و بسند از پشت پرگزار دن پنج بیار از نیام قیرمانانداشان علیه رژیم منورپیلوی و در هم شکستن آن هر بیار نو را با امید پیروزی به هر چه بیشتر در جهت رسیدن به اهدافشان استقبال میکنند. بدین گونه است که هر بیار برای کارگران و زحمتکشان با تمام بدایع نوین خود، تنها یک تحول طبیعی ساده نیست بلکه تلایده ر بیار جاودانه آنهاست. خلق قهرمان کرده، سال جدید را در حالی آغاز میکند که پنج سال جنگ خونین، پنج سال مقاله در صفحه ۱۴

با فرا رسیدن بیار یکبار دیگر طبیعت، جامه نو بر تن میکند. زندگی جدیدی را آغاز میکند، و همه چیز رنگ‌های دوباره بخود بگیرد، و چشم انداز زایش نو - مئی در بطن طبیعت شکل بگیرد. با جامه مثل طبیعت نیست و برای کارگران و زحمتکشان، اگر به این دگرگونی هر ساله شرح تغییر و مبدل است هرگز دگرگونی اساسی نیست و آنها بنشین دگرگونی را هر سال با یاد با طره و آرزوی دگرگونی اساسی بر زندگیشان، ارج میگذارند، و آغاز هر سال نو را نقطه تحولی در زندگی گذشته‌شان می‌دانند. برای تحقق بخشیدن به خواسته‌شان تلقی می کنند.

### کوه‌ها به در و ورطه دیپلماسی بورژوازی

صفحه ۷

### کارل مارکس و آموزش‌های او

صفحه ۴

### گرامی یاد

خاطره شکرده مند شهیدای اسفندماه ۱۳۶۰

در صفحه ۳

### عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدایی

### در منطقه سردشت، استوز (سوزنده) و هده و شار

پیشمرگان در آمد و متعاقب آن حمله به مزدوران تامین جاده آغاز گردید. و پیشمرگان با آنکه صرف و بوران شدیدی در گرفتند بود تا ۵ متری مزدوران پیشروی کرده و آنها را زیر آتش مسلسل‌های خود از قر رد دندودر نخستین لحظات حمله تعدادی از مزدوران بیلاکت رسیدند. با شروع درگیری، مزدوران رژیم با وحشت رهزاس نیروهای مسلح

روز ۹ بهمن ماه چند دسته از پیشمرگان فدائی طبق شناسایی قبلی دست به عملیات قهرمانانه ای در محور جاده سوز - سنج زدن و قسمتی از جاده مذکور را در منطقه سوزنده به کنترل خود در آوردند. این عملیات در ساعت ۳ و ۴ دقیقه بعد از ظهر آغاز گشت و در شروع آن ارتفاعات مشرف سوز به بنگاه سوز (سوزنده) تحت کنترل

کاروانی همای

بمناسبت یکصد و سیزدهمین سالگرد کمون پاریس

— خاطره دکتر محمد صدق

— رهبر ملی کردن نت گرامی یاد

— نوروز خونین سنج

— و اولسن تحریر حاکمت توده‌ای

— تقویم خون فدائیان خلق و ...

هده و شار میله دیلی ما فنی دیاری گردنی چاره نوی نوی هده په

در صفحه ۱۵

### مسئله جدید جنگ

از صفحه ۱

که پیام آن‌ها تحولات سیاسی ویژه‌ای در ایران و منطقه برجای خواهد گذارد رژیم به توده‌های مردمی که همه روز و نهارهای این جنگ ارتجاعی را سردوش خود احساس می‌کنند و عدل داده است که نبرد تعیین کننده فرا رسیده و نژودی کار جنگ را بگرد خواهد کرد. خصمی پستی از حمله اخیر از مردم خواست که برای پایان دادن به جنگ بیسیج حکمی او بیبوندند و حقیقتاً نیز بهترین‌ترین توان خود را در بیسیج توده‌ها، در حمله اخیر بکار گرفت. علاوه بر آن توان اقتصادی و نظامی و تدارکاتی خود را نیز کاملاً به خدمت گرفت تا بتواند به بروزی قطعی دست یابد اما چنین بنظر می‌رسد که از همان روزهای نخستین حمله ارتش جمهوری اسلامی در اوائل اسفند ماه، نتیجه و چشم انداز آن روشن شده است چرا که رژیم با حداکثر بیسیج و توان خود نتوانست ضربت قطعی را وارد آورد، حتی اگر اندکی بشرویی هم داشته باشد و این به معنای شکست رژیم جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. نه تنها شکست از نقطه نظر نظامی بلکه مهم تر از آن یک شکست سیاسی محسوب می‌گردد. چرا که هرگونه موفقیت یا عدم موفقیت رژیم در عرصه جنگ، مستقیماً بازتاب سیاسی در جامعه بحران زده ما دارد. شکست رژیم از عرصه نظامی آنتدر روشن و آشکار است که حتی رفسنجانی نیز بنحوی محسوس شد در خطبه‌های نماز جمعه به این شکست اذعان نموده بصراحت اعتراف کند که ارتش ایران نتوانست است به اهداف خود دست یابد. بر طبق اطلاعات ما بیسیج مختلف خبری تعداد کشته‌ها و زخمی‌های رژیم جمهوری اسلامی به هزاران نفر رسیده است و لطفاً نظامی سکینی به آنها وارد آمده است این شکست را از چند سالی باید بدانید همانند مرحله نوبنی در وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی نمود.

اگر حکم ایران و عراق را از چند سال سیاسی آن از آغاز خود تا امروز مورد ارزیابی قرار داده آنها به مراحل مختلف تقسیم بندی کنیم ما آثار رسدن مرحله جدید

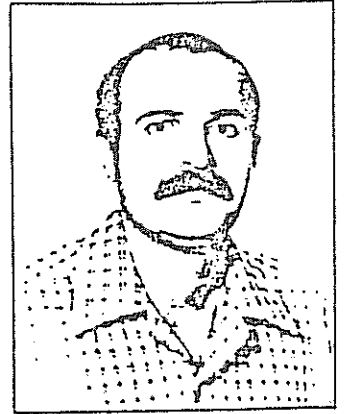
می‌توان سه مرحله را از آغاز تا به امروز از یکدیگر متمایز کرد. در مرحله اول جنگ که همراه با حمله و پیشروی های ارتش عراق در خاک ایران و شکست‌های بی در پی رژیم جمهوری اسلامی بود، برداشته بحران‌های متعدد رژیم افزوده گشت، موج نارفایتی در میان توده‌های مردم افزایش یافت و تضادهای درونی حاکمیت تشدید گردید. اما از آنجا که در این مرحله هنوز اکثریت توده‌ها اعتماد خود را نسبت به رژیم از دست نداده بودند و به علاوه این مرحله توأم با ابراهیمیت شدن احساسات ناسیونالیستی مردم بود، رژیم سرانجام توانست خود را از وضعیت سیاسی بحرانی نجات دهد. دومین مرحله که با تعرض نیروهای جمهوری اسلامی و فتوحات پی در پی نظامی آن همراه بود، بسا فروکش کردن بحران‌های رژیم و بیبودنسی وضعیت توأم گردید. در این مرحله رژیم توانست بر موج پیروزی‌های نظامی خود سوار شود و تحت تاثیر این پیروزی‌ها از یکسو برای خود وجهه اعتباری کسب کند و از سوی دیگر بسر تضادهای درونی خود فائق آمده و با توسل به سرکوب توده‌ها و یورش گسترده به سازمان‌های سیاسی موفقیت خود را تا حدودی مستحکم سازد و بحران‌های خود را تخفیف دهد. روشن است که رژیم تنها با توسل به سرکوب عنان گسیخته و کسب پیروزی‌های مداوم در عرصه جنگی توانست موفقیت خود را در چنین وضعیتی حفظ کند و بر همین اساس است که ما شاهدیم طبرختم نارفایتی وسیع توده‌های مردم، جز در موارد معدود جنبش آشکار توده‌ای که رژیم را تهدید کند با نگرانی اما بدبینی است که این وضعیت سیاسی نمی تواند پایدار ساخته شود پیروزی مداوم در جنگ برای رژیم ممکن است رند توسل مداوم به سرکوب برای مهار کردن موج نارفایتی توده‌ها. از یک سو پیروزی‌های رژیم جمهوری اسلامی با توجه به ظرفیت نظامی، انسانی و تدارکاتی آن محدود به حدود تعیینی است که نمی تواند فراتر از آنچه که تاکنون رژیم بدست آورده است باشد. علاوه بر مجموعدهای از سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای نیز صورت ناممکن باز دارند در جهت پیروزی‌های نظامی بیشتر رژیم عمل می‌کنند.

رژیم جمهوری اسلامی از حیث ظرفیت و توان اقتصادی خود قادر نیست هزینه‌های جنگ و نیروهای مسلح خود را در حدی کفایت متفاوت از آنچه اکنون وجود دارد تحمل کند از اکنون حدود بیست میلیارد دلار درآمد نفتی خود را اساساً در خدمت جنگ قرار داده است و حداکثر نیرو را که می توانست بیج کند یعنی نیروی در حدود یک میلیون سرباز ارتش و سپاه بسیج و ... را سازماندهی نموده است هر چند از حیث تجهیزات و سلاحها و نظامی نسبت به عراق در وضعیت نامساعدتری قرار دارد، اما توانست استاز طریق نیروی انسانی این کسب را جبران کند. بنا بر این رژیم جمهوری اسلامی اکنون بسا حداکثر ظرفیت و توان اقتصادی و انسانی و نظامی خود وارد مرحله جدید جنگ شده است این بدان معنا است که اگر در این حد از توان و ظرفیت خود قادر نباشد موازنه نظامی را در جنگ برهم زند، مرحله تعرضی آن به پایا رسیده است و امید پیروزی‌های آن در جنگ به یاس مبدل می‌گردد و در چنین حالتی دیگر قادر به پیروزی در جنگ نیست اما علاوه بر این سیاست‌های بین المللی و منطقه‌ای نیز مانعی دیگر بر سر راه پیروزی‌های رژیم در مرحله کنونی است هر چند رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم فوق ارتجاعی است و امپریالیسم امریکا تاکنون به ابقای آن کمک نموده است اما خصلت شدیداً مذهبی و گرایشات توسعه طلبانه و اسلامیتی آن موجب تضادها و اختلافات آن با پاره‌ای از دولت‌های مرتجع شده است امپریالیسم امریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل تا کنون خواستار ادامه جنگ و کسب پیروزی‌های نظامی برای رژیم جمهوری اسلامی تا برقراری موازنه نظامی و سیاسی منطقه در حد پست از آغاز جنگ نبوده اند. امپریالیسم امریکا گذشته از درآمدهای کلان که طی این جنگ به جیب زده با تداوم آن بر مداخلات نظامی و سیاسی خود در منطقه افزون است و اسرائیل نیز حداکثر بهره برداری سیاسی و نظامی را از ادامه این جنگ بنفس خود نموده است

تنها راه رسیدن به صلح و مکرراتیک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

# گرامی باد

## خاطره شکوهمند شهید ای اسفندماه ۱۳۶۰



رفیق هادی

آخرین روز اسفند ماه سال ۶۰ واپسین ساعات پايانی خود را پشت سرمیگذاشت که بلندگوهای تبلیغاتی رژیم حیووری اسلامی اطلاعاتی را مبنی بر شهادت و دستگیری تعدادی از اعضاء مرکزیت و کادرهای سازمان به همراه بهیمن رفتن بخشهایی از امکانات تشکیلات تهران از جمله چاپخانه مرکزی سازمان را پخش نمودند.

در یک لحظه بیت و حیرتخبران را فرا گرفت و توده های زحمتکش و همه انقلابیون ایران را در غم و اندوهی بیگین فرو برد.

در میان اسامی اعلام شده نام شش تن از اعضاء کمیته مرکزی سازمان، رفقا (هادی)، نظام سیامک اسدیان (اکندر)، کاظم محسن مدیرتاندگی و منصور اکندری

ذکر شده بود. رفیق هادی در تاریخ ۲۵ اسفند ماه و رفقا نظام و کاظم در ۲۴ اسفند هنگامیکه به محاصره مزدوران رژیم درآمده بودند، دفاع مسلحانه از خود برخاسته و قهرمانانه شهادت رسیدند.

تلود برای این رژیم اسامی ستن دیگر از رفقای مرکزیت سازمان از جمله رفیق سیامک اسدیان (اکندر) و محسن مدیرتاندگی که طی چند ماه پس از ۲۰ خرداد در کبیری مسلحانه شهادت رسیدند و نیز رفیق منصور اکندری را که پس از اارت مزدوران رژیم در آمد و تا بد امروز نیز از سرشوت وی اطلاعاتی در دست نیست به همراه رفیق دیگر اعلام نمود. تا ضربه وارده به سازمان را بعنوان ضربه ناسود

کننده و متلاشی کننده جلوه دهد، روحید انقلابی توده ها را تخریب کند و از آن حداکثر بهره برداری تبلیغاتی را بنماید.

البته نمی توان گفتان کرد که ضربه اسفند ماه سال ۶۰ ضربه ای به سبب ضربه سال ۵۵ بود. از دست دادن رفیق کبیری چون هادی که پس از شهادت تعداد زیادی از رفقای رهبری سازمان در سال ۵۵ بار عمده باز سازی تشکیلات را بر عهده گرفتند

بوده، رفیقی که در پیگیری استقامت شهادت از خودگذشتگی فداکاری، شور و ایمان به طبقه کارگر و سبیل یک فدائی و مطبوعه یک کمونیست بود.

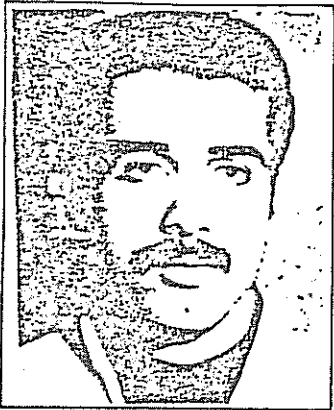
از دست دادن رفیقی چون نظام که یکی از سازماندهندگان جنبش کارگری و مشول کمیته کارگری سازمان بود، و رفقای دیگر حقیقتاً سنگین و فداکار بزرگ بود.

اما این سه اولین و نه آخرین بار بود که رفقای برجسته سازمان با بدست مزدوران سرمایه شهادت میرسیدند و رژیم خبر از نابودی سازمان میداد.

رژیم ارتجاعی حیووری اسلامی نیز همانند رژیم ارتجاعی شاه چنین تصور میکرد با کشتار فدائیان خواهد توانست سازمان جریکهای فدائی خلق ایران را نابود کند، غافل از اینکه

سازمان فدائی شکست ناپذیر است و راز شکست ناپذیری آن در این است که در میان کارگران و زحمت کشان ایران رشدهای مستحکمی دارد. از همین روست که بجای هر فدائی که در راه آرمانهای بزرگ کارگران، در راه رهائشی، دمکراسی و سوسیالیسم بخاک و خون غلطیده است مدتها فدائیی با خاسته راه فدائیان، اهداف و آرمانهای آنها را ادامه

داده اند. از همین روست که امروز نیز پس از دو سال از ضربه اسفند ماه سال ۶۰ سازمان جریکهای فدائی خلق ایران مستحکم تر و پابرجا تر از همیشه در سراسر ایران مبارزه علیه رژیم ادامه میدهد. اما برتجیب آنقدر



نظام

بزنند، بگذار دست دستار انقلابیون کمونیست را کشتار کنند، شکست آنها حتمی است. و طولی نخواهد کشید که کارگران این زحمتکشان ایران بخواهند خاست و بنیاد حکومت طبقاتی آنها را زیر رو خواهند کسرد و انتقام فرزندان انقلابی خود را خواهند گرفت.

در سالروز شهادت رفیق کبیر احمد غلامیان لنگرودی (هادی) و دیگر رفقای که در اسفند ماه سال ۶۰ بدست دژخیمان رژیم شهادت رسیدند یکبار دیگر پیمان می بندیم که تا آخرین لحظات حیات خود از نبرد علیه رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران باز نایستیم.

پیمان می بندیم که لحظاتی از راه سرخ کارگران، از هدف بزرگ سوسیالیسم منحرف نشویم.

پیمان می بندیم که از سنی جنبش سازمان دفاع کنیم و همانند مردمک چشم خود از بر خودیت و خست سوسیالیست لوزیک آن دفاع و حراست کنیم، پیمان می بندیم که با کینه و دشمنی سرخا در رفیقی همچون هادی یادداشتان طبقاتی نورست طلبان رفتار کنیم.

پیمان می بندیم که با کار و مداوم در میان توده ها، سازمان را بشاید مطبوعه آگاه کارگران ایران بشراز بشردر میان کارگران مستحکم سازیم. یاد شهیدای اسفند ماه ۶۰ در قلب بزرگ طبقه کارگر برای همیشه زنده خواهد ماند.

## کارل مارکس و آموزش‌های او

با درگذشت و تکامل نیروهای موله توفیح داد و مبارزه طبقاتی در طول تاریخ را عامل محرک اصلی اجتماعات بشری و دلیلی اولیه انقلابات قلمداد نمود.

مارکس با کشف قانونمندیهایی حاکم بر تغییرات اجتماعی و توفیح علل عینی تکامل تاریخی جامعه در ادوار مختلفه، انقلاب عظیمی را در فرهنگ معاصر خود بوجود آورد و برای نخستین بار ارتباط ارگانیک و ناگسسته‌ی بوجود آمدن یا ازهم پاشیدن این یا آن مناسبات اجتماعی معین با این یا آن روبنای سیاسی ایدئولوژیک را مدلل ساخت و نقش تعیین کننده شرایط مادی دایره برای تحولات را توفیح داد؛ که شامل تلاش انسان برای تأمین ما - یحتاج اولیه زندگی خود و چگونگی این تلاش میگردد. عقیده -

مارکس تاریخ بشری از همانندوزی آغاز میگردد که انسان نخستین ابزار خود را برای تغییر طبیعت برای تغییر محیط اطراف خود و انطباق آن با شرایط زندگی خود و نیازهای مادی خود، خلق نمود و متناسب با این تغییر در محیط خود نیز بطور همه جانبه در طول یک سروسه طولانی متحول گشت. این تغییر که همواره و متناسب با خود متناسب با کار او بود، با خود ایده‌ها و افکار جدیدی را نیز تولید نمود، ایده‌هایی که -

انعکاس جهان واقعی اطراف او و بیانگر شناخت انسان از موقعیت و محیط اطراف خود و نتیجه - براتیک مملی او بود و بدینگونه تا پایداری تفکرات قرون گذشته و نیرو رخنه‌آنها یا بقای آنها تنها در ارتباط با چنین رابطاتی و تحول انقلابی این براتیک و در نتیجه ساخت کتیش با بنسده حامله از آن می تواند مورد - بررسی قرار کرد و نه بالکنی -

مارکس تبیین جهان عینی خود را، از تبیین فلسفی جهان مادی آغاز کرد که مادی بودن آنرا قبل از اوماتریالیستی فرانسوی تلاش کرده بودند تا شور و شوق تمام با شایان رسانند اما با برخورد ستافریکی و مکانیکی آنرا بیگ

بست و یکم ایند ماد متادف سا ۱۴ مارس بروز در گذشت کارل مارکس در سال ۱۸۸۳ است در این روز رهبر سرچشمه سوسی - ایدئولوژیک و عملی پرولتاریای جهانی و بنیانگذار مارکسم بعد از یک عمر کار بکسر و خشکی نا پذیر در زمین بدون سوسیالیسم علمی و رهبری جنبش کارگری دیده از جهان فرو بست ولسی سیستم ایدئولوژیک سیاسی منجم و شرکی از خود بدیادگار گذاشت که ندرتیا در دوران حیات خود، بلکه تا امروز هم بنا به اعتبار علمی خود تا ثیرات شکر ف و تبیین کننده‌ای را در فرهنگ بشری بر جای گذاشته و بعنوان بشر فتنه ترین دکترین عصر ما در مبارزات طبقه کارگر در سراسر جهان و در تمامی عرصه‌های مبارزه آن به مادیت عینی مبدل گشته است

کارل مارکس با بهره گیری از تکامل تاریخی بشریت و سیستم اندیشگی عصر خود در همه زمینه‌ها، تئوری منجم نیروی پیشرو جامعه عینی طبقه کارگر را تدوین نمود و اساسی ترین اصول آنرا جمع بندی کرد، او در حقیقت با تدوین تئوری سوسیالیسم علمی، ایدئولوژی و جهان بینی این طبقه نو ظهور را سعید سرمایه داری را - تبیین نمود و روندهای آتی حرکت تاریخی او را مشخص کرده و بنا کشف قانونمندیهایی حاکم بر مبارزه طبقاتی ضرورتیهای اجتناب - ناپذیر استقرار جامعه عاری از طبقات و راه رسیدن به آنرا بگونه‌ای علمی مستدل نمود و بدین توان حرکت اجتناب ناپذیر تاریخ جامعه بشری به اشاعت رسانید .

" در حقیقت تمام نوع مارکس در این است که به برشپائسی باخ مدهد که مگر بشر و بشر فلا آنرا طرح کرده است و آموزش کارل مارکس در ادامه مستقیم و بلاواسطه آموزش بزرگترین نامدگان علوم و علم اقتصاد و سوسیالیسم بوجود آمده است ... زینت ندرت بی انبهای آموزش - مارکس در درستی است . (لنین)

مارکس برای تدوین تئوری خود تنها جامعه سرمایه داری که جامعه طبقاتی بالعموم را مورد نقد و بررسی قرار داد و علل مادی و اجتماعی تغییرات عینی و ذهنی انجام شده در طول تاریخ جامعه بشری را روشن نموده، اجتناب ناپذیری اس با آن تبیین اجتناب ناپذیر در ساختارهای متفاوت را

دیدگاه حامد و ابستاسدل ساخته بودند، مارکس با نقد دیدگاه‌های ستافریکی آنان و کاربرد دیالکتیکی آن، ماتریالیسم دیالکتیک را بطور همه جانبه‌ای به تکامل تاریخی بشریت رسانده و در حوزه عینی اجتماعات بشری بدقت علوم ریاضی کاربرد آنرا روشن و علمی ساخت ماتریالیست های قبل از او، تربیت و افکار انسان را محصول تاثیر خود بخودی محیط بر او میدانستند در حالیکه مارکس عینا اعتقاد داشت که این افکار و ایده‌ها نه در یک رابطه منفعلانه بلکه در یک کنش متقابل براتیک معین حاصل می گردند و در پویای درونی همین براتیک نیز تغییر پیدا

میکنند و نحوه زندگی انسان و چگونگی برآوردن مایحتاج اولیه آن تنها مرجعی است که افکار و ایده‌های او را توفیح میدهند، ماتریالیسم قبل از مارکس تا آنجا که بعنوان تبیین فکری عمل اجتماعی نیروی پیشرو اجتماعی و متناسب با اقتضای رشد نیروهای موله، به مقابله با عناصر فکری پوسیده و مهجور قرون وسطایی بود توانست نقش پیشرو ایفاء نماید و به دلیل محدودیت‌های عمل اجتماعی مد

موجد زمینی خود، از همان نخست با تناقضات لاینحلی گرفتار آمد و تنها به میراثی مبدل گشت که چیزی متعلق به گذشته بود و آینده آن تنها در نقد انقلابی و نفی دیالکتیکی آن نیفته بود که مارکس چنین کرد و آنرا از قید و بند محدودیت بورژوائی رها ساخت و در دست‌های توانای پرولتاریا بسد سلاح ایدئولوژیک مستحکمی مبدل نمود.

به اعتقاد مارکس از آنجا که ماتریالیستی قبل از او جوهر بشری را - ند بصورت مجموعه‌ای از تمام روابط اجتماعی که بطور عینی و تاریخی معین شده باشد بلکه به شکلی مجرد مورد ارزیابی قرار میدادند و در نتیجه "تنها به تفسیر جهان پرداخته و بسد توفیح آنرا کتفا می نمودند و حال آنکه مشکل بر سر تغییر آن بود و هست و در حقیقت امر همانگونه که گفته شد آنجا " اهمیت - فعالیت علمی انقلابی" را درنمی بین یافتند. در حالیکه تطابق تغییر اوضاع و فعالیت انسانی، میتواند فقط بمشاد براتیک انقلابی بررسی گردد" (مارکس) مارکس تحلیل خود از جامعه بشری

### کارل مارکس

را، در برتو جهان بینی ماتریالیستی دیالکتیکی خود از این امر بدینی آغاز کرد که این نحوه زندگی و چگونگی تولید نعم مادی است که این یا آنگونه مناسبات اجتماعی و تفکر بشری را توجیح میدهد و انسانها بپیمان اندازه کد طبیعت را تغییر داده، و وسائل این تغییر را متکامل ساختند، خود نیز در پروسه این تغییرات متحول شده بد مزارع عالی تری از تکامل اجتماعی قدم گذارده اند و بدین وسیله است که فلان نظم تولیدی تهر را از بطن نظم ماقبل خویش زده شده و در پروسه تحولی خود با نظم جدیدتری جایگزین میگردد. و هر کدام از این وجود و نظامات تولیدی نیز متناسب با رشد نیروهای درونی خود سیستم روبنائی اعم از فلسفه و ادبیات و فرهنگ و سیاست خاص خود را بوجود می آورند.

مارکس با ارزیابی همه جانبه تاریخ و جامعه انسانی ثابت کرد که نظام سرمایه داری تولید در حلقه مناسبات اجتماعی فیما بین انسانها بعنوان یک مرحله خاص از تکامل جامعه پای به ترمه وجود گذارده و هم چون تمامی پدیده های جهان از جمله نظامات ماقبل خود تضادهای درونی خاص خود را دارد که بطور اجتناب ناپذیر در مرحله ای از رشد خود، موجبات سرنگونی تهری آنها فراهم آورده، راه گذار به نظام عالیتر را هموار خواهد ساخت.

کار اصلی مارکس در واقع امر، در توجیح و تبیین این تضادهای ضرورتی عینی و تحلیلی تغییر اجتماعی و چگونگی آن بوده است. مارکس ثابت کرد که تاریخ جوامع بشری مآزده بین طبقات استثمار و طبقات تحت استثمار است. طبقات استثمارگر و طبقات تحت استثمار، بوده است و جنگ بنیان و آشکاری که همیشه و در همه حال فیما بین این طبقات در جریان بوده است و در طول تاریخ بلا نقطه ادا شده نداشت و مناسبات رشد نیروهای مولده و سطح شیوه تولید، متکامل مختلفی به خود گرفتند و موجبات تنفر در نظم اجتماعی را فراهم آورده است و آخرین نوع حلقه این مناسبات مناسبات تولیدی سرمایه داری است که بر بنیان استثمار کارگران سرزور

استوار است. و مشخصه اساسی آن تضاد آشکار کار مزدوری یا سرمایه با بورژوازی و پرولتاریاست. بورژوازی با توسل به مالکیت خود بر ابزار تولید و دست یازیدن به قدرت سیاسی، بخش عظیم اهالی حوامع معاصر را از طریق مختلف به ورشکستگی کشاند، دستشان را از هر گونه تعلق بر وسائل تولید خالی کرده، و به سوی بازارهای فروش کالاها می کشاند تا در این بیشت ترین جهان سرمایه داری "آزادانه" تنها دارایی خود یعنی نیروی کارشان را در مقابلتایمین زندگی بخور و نمیر بفروش برسانند. و بدین وسیله تنها زندگی خود بلکه جیبب ماحبان نعم مادی که همان ماحبان ابزار تولید هستند را نیز بر کند.

مارکس بکانبندیای جامعه سرمایه داری، این نظم مبتنی بر بردگی نوع جدید را در اثر فنا ناپذیر

هزاران کارگرا در موسسات مختلف مجتمع می نماید و بدین وسیله در سطح وسیعی تولید را اجتماعی کرده، و اصل تولید پیچیده ای را بکار میگیرد و نطفه های اولیه تحولات آینسده را خود بوجود می آورد. و بدست خود گورکنان خود را در موسسات دهها هزار نفری گرد هم مجتمع می نماید. مارکس که تحول سرمایه داری به سویالیم را اساسا از قانون اقتصادی حرکت جامعه معاصر متدل میازد تاکید عمده خود را به اجتماعی شدن تولید و تضاد آن با تصاحب غیر اجتماعی حاصل تولید میگذارد و اینکه مالکیت خصوصی با ابزار تولید تضاد آشکار و آشتی ناپذیری با شکل اجتماعی تولید نعم مادی دارد. این تضاد که خود را در تضاد بین دو طبقه اصلی جامعه یعنی بورژوازی و پرولتاریا آشکار میازد، تضادی است که در روند

مارکس با کشف قانونمندیهای حاکم بر تغییرات اجتماعی و توضیح عینی تکامل تاریخی جامعه در ادوار مختلف انقلاب عظیمی را در فرهنگ معاصر خود بوجود آورد و برای نخستین بار ارتباط ارگانیک و ناگسستنی وجود آمدن و پیا زهم پاشیدن این یا آن مناسبات اجتماعی معین یا این یا آن روبنائی سیاسی ایدئولوژیک فرهنگی را مدلل ساخت و نقش تعیین کننده شرایط مادی دایر بر این تحولات را توضیح داد.

قطعی خود ضرورت سلب مالکیت از بورژوازی را، اجتناب ناپذیر ساختن شکل مالکیت متناسب با تولید اجتماعی را طلب میکند.

مارکس ثابت میکند نیروی محرکه عینی و سیاسی چنین تحولی طبقه کارگر، بعنوان طبقه پیشرو جامعه سرمایه داری است، که فاقد هر گونه تعلق خاطر به حفظ مالکیت خصوصی میباشد و متناسب با نقشی که در تولید اجتماعی دارد می باید تضاد درونی جامعه سرمایه داری را طی یک انقلاب تهری به نقطه پایان خود رسانده و جامعه تاری از تمام طبقاتی، تاری از بهره کشی انسان از انسان را بنیان گذارده

تئوری سویالیم عینی مارکس که بر شالوده درک او از تضادهای جامعه سرمایه داری استوار است با نقد نقطه نظرات سویالیتی ماقبل او آغاز میشود. سویالیم بعنوان یک جامعه تاری از تمام و فقر، تل از مارکس به سوی گوناگون از سوی سویالیتب تخیلی مطرح میگردید بود ولی هیچکدام از آنها دلیل عدم در

و داهیانه خود، کاپیتال، بیسه طهری خلاق به نقد کشیده و اجتناب ناپذیری مرگ حتمی چنین سیستمی از مناسبات اجتماعی را به اثبات رسانید و چهره کرید غول خون آشام سرمایه را هر چه بیشتر شکافت و نشان داد استحصال ارزش اضافی تنها منبع ثروت اندوزی و انباشت سرمایه در جامعه سرمایه داری است و کسب ارزش اضافی که طبقه کارگر در ازای دستمزد ناچیز خود افزون بر کار اجتماعا لازم انجام میدهد، منشا اصلی چنین ارزشی است. بورژوازی می گوشت هر چه بیشتر، شکست استثمار را به طرق گوناگون -

از طریق طولانی تر کردن ساعات کار، با افزودن میزان تولید و افزایش داده بر میزان ارزش اضافی حاصله از این شدت بهره کشی بیافزاید. بورژوازی از طریق گسترش موسسات تولیدی و ایجاد مکا نیم های پیچیده تولیدی و افزایش سرعت تولید نیز چنین هدفی را دنبال میکند و در عین حال

### کارل مارکس

خود از ضرورت تاریخی استقرار  
نمی توانست بودند، آنها همه  
کودای واقعی و بر بنیان تحلیل  
علمی از جامعه سرمایه داری  
ارائه کردند.

آنها صاحب جامعه سرمایه داری را  
شاهده نموده، ادامه و استمرار  
نقد و بدبختی ناشی از نظام اجتماعی  
جدید را به نقد کشیده و نجای  
آنها افساء می نمودند. اما راه  
سرو رفتن از آن راه در تحولات  
تینی بلکه در تحولات ذهنی خود  
حسوح می کردند و تصور میکردند  
بشکل اصلی همانا نبود و عدم  
آگاهی از ایده جامعه حقیقتاً  
آزاد است لذا دست به تریسم  
خالی آن زده به ذهنیات خود  
برو بال میدادند و طرحهای بلند  
بالائی برای رهائی بشریت ارائه  
می نمودند. آنها انجام آرزوهای  
خیر خواهانه خود را از هر کسی  
که به اندیشه های آنها اعتقاد پیدا  
کند طلب میکردند و در مدینه  
فاضله آنها همگان بدون هیچگونه  
شخصی طبقاتی به آرزوی خود میر  
سند. از سر به داران گرفته تا  
کارگران از شاهزادگان تا زپرورده  
تا گدایان برهنه.

مارکس با نقد این نقطه نظرات  
تایید کرد، ضرورت استقرار  
سویالیسم بعنوان نتیجه قانونمند  
مبارزه انقلابی طبقه کارگر علیه  
نظام سرمایه داری و طلب مالکیت  
ز صاحبان وسائل تولید و سلب  
مالکیت کنندگان اصلی جامعه  
کونی توسط کسانی است که بار  
تظیم تولید اجتماعی بر دوش  
آنان است و خود از محصول کار خود  
کمترین بهره را برده و میبرند.  
لکن انجام این کار با ادگی  
امکان پذیر نیست و درگیریهای  
خونین طبقه کارگر با بورژوازی  
باید آن است که بورژوازی بسا  
شای امکانات و وسایل خود  
می گوشت سلطه خود را به هر  
خریق ممکن حفظ نموده، با سر  
کوب جنبش کارگری پایدهای آنها  
متحکم سازد. لذا طبقه کارگر  
تا گزیر است نه تنها برای  
انجام این کار و برای مقابله  
با نیروی متشکل بورژوازی،  
متشکل شده با برنامه و تاکتیک  
شخصی اقدام نماید، بلکه برای  
کسب پیروزی و حفظ آن نیسب  
ضرورتاً می باید ماشین دولتی  
را در هم نهد، دولت خا

خود را مستقر سازد که همانا  
دیکتاتوری پرولتاریاست و  
و بدون آن نه تنها حصول  
پیروزی بلکه حفظ آن حتی برای  
مدت کوتاهی نیز امکان پذیر  
نیست و به اعتقاد او هر کسی که  
این امر یعنی استقرار دیکتاتوری  
پرولتری را بعنوان نتیجه و  
ماحول قانونمند مبارزه طبقاتی  
درک نکند تئوری مبارزه طبقاتی  
مارکس را درک نکرده است.

مارکس به همراه انگلس، همزم  
و همفکر خلاق خود، تئوری  
سویالیسم علمی را تدوین نموده  
لزوم استقرار دیکتاتوری پرولتا  
ریا را بعنوان دولت طراز نوین  
طبقه کارگر که با ارزیابی  
انقلابات قرن نوزدهم بویژه انقلاب  
۱۸۴۸ و کمون پاریس و نتایج  
آنها، امکان آن فراهم گشته بود  
سیتم منجی از ایدئولوژی و  
سیاست و برنامه پرولتری را  
بوجود آورد که به نام او و بی

مارکس با ارزیابی همه جانبه تاریخ و جامعه  
انسانی تا به نایبیت گرد که نظام سرمایه  
داری تولید در حلقه مناسبات اجتماعی نیابین انسانها بعنوان یک  
مرحله خاصی از تکامل جامعه پایه عرصه وجود گذارده و همچون تمامی بدیده  
های جهان از جمله نظامات ماقبل خود تضادهای درونی خاص خود را دارا  
بطور احتساب پذیر در مرحله ای از رشد خود موجبات رنگونی قهری آنها  
فراهم آورده، راه گذار به نظام عالیتر را هموار خواهد ساخت.

افتخار بنیانگذار خود مارکسیم  
نامیده میشود. و تئوری راهنمای  
طبقه کارگر در تمامی مبارزات  
خوبش برای استقرار سویالیسم  
و کمونیسم و رهائی بشریت  
از جنگال فقر و بدبختی تحت  
نظامات استعمار طبقاتی است  
کارل مارکس در دوران حیات  
خود و همزمان با تدوین تئوری  
سویالیسم علمی نه تنها بعنوان  
یک تئوریسین بلکه بعنوان یک  
پراتیسین نیز در مبارزات علمی  
طبقه کارگر و در انقلابات عصر خود  
فعالیت شرکت نموده، و در این  
عرصه نیز دیدگاه فلسفی و تاریخی  
خود را در تحلیل انقلابات عصر  
خود و روندهای انقلابی آن  
و اتخاذ تاکتیک برخورد بسب  
نیروهای مختلف اجتماعی، بطرز  
دایمانه ای بکار بست.

مارکس بعد از ارائه مانیفست  
کمونیست بعنوان نخستین برنامه  
پرولتری، که در آستانه انقلابات  
۱۸۴۸ منتشر گردید و در آن  
خطوط کلی استراتژی و تاکتیک  
پرولتاریا برای اولین بار ارائه  
شد، در انقلابات ۱۸۴۸ علاوه بر شرکت  
فعالیت و با تحلیل دستاوردهای

آنها درک خود را هر چه بیشتر  
متناسب با تحولات تینی و تجربه  
علمی جنبش متخخص ساخت  
او بویژه با تحلیل انقلاب ۱۸۴۸  
فراشه که نموند تیبیک انقلابات  
آن روز اروپا بود و در آن  
شایزات طبقاتی آشکاری وجود  
داشت و مبارزه با وسعت و شدت  
هر چه بیشتری خود را آشکار  
ساخته بود و در عین حال همه  
خصویات انقلابات آن دوره را  
بشور کامل دارا بود به نتیجه  
گیریهای دایمانه دست یافت که  
در آثار او بویژه در اثر فلسفه  
ناپذیر او "مقدمه برومیلو بی  
بناپارت" منبکی است. مارکس در  
این اثر کاربرد علمی  
ماتریالیسم تاریخی خود را در  
تحلیل انقلاب اجتماعی با استناد  
تمام متجلی ساخت و درک خلاق  
خود را در کشف نقاط گمراهی مبارز  
طبقاتی و طیل شکست و چشم  
اندازهای آینده انقلاب را با دلایلی

عینی آشکار ساخت مارکس متقاعد  
این ارزیابی ها با تحلیل کمون  
پاریس بعد از دو دهه ( که  
او خود وقوع آنها در همان زمان  
پیش بینی کرده بود) تئوری خود  
را متناسب با تجربیات متجلی  
جدید جنبش پرولتری بویژه در تحلیل  
و تیین شکل و وظائف دولت  
آینده و روابط درونی جامعه  
نوین متکاملتر ساخت و با  
نقد و بررسی نقاط ضعف و قوت  
کمون درک مشخصتری از دیکتاتوری  
کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتا  
ریا ارائه داد.

مارکس با شرکت در انترناسیونال  
اول نیز، عمل راهبری آنها بر طبق  
گرفت و اکثر بیانیه ها و اساسنامه  
آنها خود تدوین نموده و در انتر  
ناسیونال رهبری عظیم  
جنبش جهانی کارگری را  
گرفت و تمامی جریانات خسرد  
بورژوازی موجود در جنبش کارگر  
را منسرد ساخت، حقایق  
تئوری خود را بعنوان تئوری  
حریان حقیقی کارگری با اثبات  
رسانید.

همانگونه که مردم زحمتکش کردستان اطلاع دارند، در پی درگیریهای اخیر بین حزب دمکرات کردستان و کومدله، سازمان ما بنا بر وظیفه انقلابی و احسان مسروبت نسبت به جنبش انقلابی سراسری توده‌های مردم ایران و جنبش انقلابی خلق کرد، تلاش جدی و مستمری را برای خاتمه دادن به این درگیریهای بلحانه که عواقب زیانبار و فاجعه انگیزی برای جنبش انقلابی در بردارد، آغاز نموده و پیشنهادهایی عملی خود را بمنظور یافتن راه حل اختلافات این دو جریان ارائه داد. راه حل ما برخلاف آنچه امروز از شیور تبلیغاتی کومدله شنیده میشود نه "دائمه" جدیدی بود و نه "نوآوری" افتخار آمیزی!

این راه حل عبارت بود از تشکیل کمیسیون مشترکی مرکب از نیروهای انقلابی و شخصیتهای سیاسی مورد توافق حزب دمکرات و کومدله کدنه بر و آل پیشین و بشیوه کدخدا - منشاء کمیونیونهای قبلی، بلکه با در نظر گرفتن اهمیت و نقش جنبش انقلابی خلق کرد و تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم آن بر سر انقلاب سراسری ایران، موارد اختلافی ما بین حزب دمکرات و کومدله را ریشه یابی نمود و محورهای مورد توافق را مشخص نماید و خود ناظر بر اجرای اصول مورد توافق و طرف باشد. اولین دستور کار این کمیسیون عبارت بود از تحقیق و بررسی و موضعگیری علنی روی درگیری جنوب کردستان و ضمناً علنی کردن نتایج تحقیقات کمیسیون قبلی مربوط به رویداد سوسیستی بردشت که بعداً بنا به پیش شرطیهای کومدله به آن افاشه گردید.

حزب دمکرات این پیشنهاد را پذیرفت، اما کومدله موضعی کاملاً سناستی، مرده و متزلزل اتخاذ کرد. کومدله در حصر اقتضات ما را مورد ستایش قرار داد و از تشکیل کمیسیون مورد نظر استقبال کرد، اما در عمل با بیش بیادن بیانه‌های مخرد آمیز که شکل گیری هر گونه کمیونیونی را موقوفه محال بنمود، از تشکیل آن منانعت بد عمل آورد. کومدله در تمامی نامه‌های خود و در مذاکرات بر روی یک مسئله

## کومه له در ورطه دیپلماتی بورژوازی

و فقط یک مسئله تاکید داشت؛ کومدله برای مسئله اصرار داشت که چون "اعتمادش" از حزب دمکرات خدشه دار شده است مادام که حزب موضع "منفغاندهای" روی خادشه سوسی اتخاذ نکنه، تشکیل هر کمیونیونی هر چند در اساس سودمند و مفید باشد، اما اعتماد لازم را برای اجتناب از درگیریهای آینده بدست نخواهد داد!

همانطور که گفته شد این پیش شرط نیز هم از طرف ما و هم از طرف حزب دمکرات مورد پذیرش قرار گرفت. و چنین مقرر شد که نتایج تحقیقات خادشه سوسی نیز بمثابه اولین گام حرکت توسط کمیونیون پیشینا دی اعلام گردد. ولی کومدله با بیانه جوئیهای شگفت انگیزی همچنان روی "اعتماد از دست رفت" پای میفشرد!

در آن هنگام ما به علل واقعی انگیزهای نیانی کومدله در پشت این مستحکات پی نبرده بودیم، اما امروز با انتشار مقاله‌ای از سوی آقا جعفر شفیعی به نمایندگی کمیته مرکزی کومدله در شماره اخیر نشریه "کمیونیست" برای ما و تمام جنبش انقلابی ملل این بیانه جوئیها و عمق کوتسه نظریهای کومدله آشکار میگردد و عدم مذاقت جریانی که خود را "کمیونیونی" میخواند و "مذاقت" و "تضاد" مدافع دمکراسی انقلابی معرفی میکند، روشن میسازد.

آقای جعفر شفیعی در این مقاله برده از مقاصد واقعی کومدله و عدم رضابت آن به تشکیل کمیسیون پیشنهادی ما بر میدارد و در همین حال نا خواستده تمام مردم ایران، مردم کردستان و انقلابیون سراسر ایران نشان میدهد که نه تنها درهای در قبال سر نشنخش انقلابی خلق کرد احسان مشوئیت نمی کند، بلکه بد نسبت از چنین گرایشی، به ورطه دیپلماتی، فریب و نیرنگی بورژوازی نیز در غلطیده است. در بخشی از این مقاله آقای دکتر شفیعی با حقارت کم نظری - اعتراف میکند، علت اصلی امتناع

کومدله از تشکیل کمیسیون پیشنهادی ما گویا هراس از اعتبار گرفتن سازمان فدائی بوده است! او با تاکیدهای افتخار آمیز می نویسد:

"جنفا ناتوان از دفاع از دمکراسی انقلابی، در برابر تصرفات حزب دمکرات و ناتوان از انتخاب بین نیروهای مدافع دمکراسی و نیروی ناقض دمکراسی نخواهد در شکاف بارزه طبقاتی موجود در کردستان برای خود جای پای باز کند.

مسئله جنفا با این یافتن بیان یافت در گریبایی کومدله و - حزب دمکرات و با ضمانت اجرایی داشتن بویژه اعتبار بخشیدن به هیئت ها و کمیونیونهای مورد بحث نیست بلکه بر عکس اساساً در جستجوی کسب اعتبار برای خود است

بویژه در ریشه نقاط ایران از طریق راه یافتن به چنین کمیونیونپاشی است. (نشریه کمیونیست) تاکیدهای مجدد از ما بر آتی کسی که اندکی شعور سیاسی داشته باشد از اینپیه -

کوتاه نظری کومدله حیرت خواهد کرد و بر سطح بسیار نازل آگاهی رهبری کومدله افسوس خواهد خورد. چرا که بر هر انسان اندک با شعوری روشن است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از آن میزان نفوذ و اعتبار در میان توده‌های مردم ایران و جهان بر خوردار است که

نیازی به کسب آردر مذاکره با کومدله نداشته باشد. اگر کسی این حرف را میزد که لااقل در میان مردم ایران نفوذ و اعتباری داشت و یا ایکه املاً توده‌های مردم سراسر ایران آنرا میشناختند،

(در صورتیکه کومدله حتی در میان توده‌های مردم کردستان هم فاقده آن اعتباری است که تصور میکنند) زیاد مضحک نظر نمیید. اما مضحک ترونتی است که آقای جعفر شفیعی بعنوان نماینده کمیته مرکزی کومدله نویسد که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جستجوی

کسب اعتبار برای خود بویژه در بقیه نقاط ایران از طریق راه یافتن به چنین کمیونیونپاشی است!

بسیار خوب! آقای شفیعی ممکن است بفرماید در خارج از کردستان چند دوجین هوادار دارند تا ما نخواهیم از طریق راه یافتن به چنین کمیونیونپاشی در جستجوی کسب اعتبار باشیم؟

کسب اعتبار؟

### کودک در ورطه...

من مختار تنبأ می‌توانم مایه  
ده و استیفاء باشد. حقیقتاً  
تاکنون و پیش از خواندن این  
نورتنور نمی‌کردیم رهبران  
بمده تا این اندازه کوتاه‌نظر  
شدیم برای جلوگیری از "کسب  
اعتبار" آنهم در بقیه نقاط  
بر آن از تشکیل چنین کمیونی  
ه خود در اسراراً کامل  
و دمی برای جلوگیری از درگیری  
میدانستند! استکاف و رزند.  
گر کومدله واقعا خواستگار  
پای نیافتن "در گیری" به  
میز بین خود و حزب دمکرات  
باشد، نمی‌بایست از تفسیر  
اعتبار "گرفتن" ما از این امر  
بیم جلوگیری بعمل آورد. او حتی  
حسابه نمانده دمکراتی  
هتانی گردستان نمی‌توانست و  
نباید در هر اس از این مسئله  
برار میگرفت کومدله با این  
باهد بوج نشان میدهد بیشتر از  
تکدی لزوم پایان دادن به  
در گیری برای خود با حزب دمکرات  
حیث بدهد، به اعتبار گرفتن یا  
گرفتن ما اندیشیده است!  
کومدله که دستچیان را از شکاف  
دیوار خشی خانه خود و عظمت  
انقلاب را از محدوده تنگ‌سروهای  
خرده مالکی فراتر نمی‌بیند،  
وفان پر جوش و خروش مبارزه طبقاتی را  
نیز با دیگر آتش‌نذری اشتباه  
گرفته است او چنین می‌پندارد  
که هر کس آتش‌نذری او را بیسم  
بزند، در سیم شوابش سیم شده  
است!  
اما برخلاف تنگ نظری برای کومدله  
امروز هر کس که وضعیت سازمان  
را در گردستان و سراسر ایران  
مورد توجه قرار داده باشد، این  
حقیقت را دریابد که سازمان  
ما امروز بیشتر از آنکه در  
نتیجه فعالیت‌های انقلابی و  
سازماتی خود در گردستان،  
اعتبار سراسری کسب کرده باشد،  
در نتیجه اعتبار سراسری خود بیک  
سروئی فعال در گردستان تبدیل  
شده است و دقیقاً وجود همین  
اعتبار است که کومدله را مجبور  
می‌ازد، طیرغم تحایل خسوس  
و طیرغم همد خود ستایی همه  
بجای مخالفت صریح با پیشنیها  
ما، بیانه‌های کودکانه تلم کند

و بد رمل و اسطراب پناه بیسرد  
کومدله با این عمل خود نشان  
داد که تنگ نظری برای حقیرانداش  
را حتی از اتخاذ یک روش اصولی  
و انقلابی نسبت به سرنوشت خلق  
کرد محروم کرده است در غیر  
اینصورت هیچ ضرورتی وجود نداشت  
که کومدله دستگاه رمل و اسطراب  
خود را بکار اندازد و برای شرکت  
با عدم شرکت "کمسیون یا هیئت  
مورد نظر، با استخاره و کسب  
ببینیبه توزین" اعتبار "این وان  
مشغول شود.  
کمونیستیا هیچگاه به کف بنوی  
تعبیر و تفسیرهای بی پایه دست  
نمی‌زنند. کمونیستیا هیچگاه در  
هر اقدام عقلی و هر تصمیم -  
انقلابی به کسب اعتبار این و آن  
نمی‌اندیشند، کمونیستیا جز  
در خدمت اهداف پرولتاریا و منافع  
طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش  
گام بر نمی‌دارند.  
اما خرده بورژواها، حتی  
دمکرات‌ترین آنها نیز، چون  
از مرفع طبقه سیالی حرکت  
می‌کنند که در آن منافع دو طبقه  
برندگی خود را از دست میدهد در  
مقابل با هر گونه اقدام عقلی  
دست و پایشان می‌لرزد و اراده‌شان  
سلب میگردد. آنها قبل از هر گونه  
تعمیمی نخست دستگاه توزین خود  
را بکار می‌اندازند، سنگ ترازو را  
پیش میکشند، استخاره میکنند،  
بشک می‌اندازند، سود و زیان  
این وان را می‌سنجند، اعتبارها  
را اندازه میگیرند و در نهایت  
نیز از هر گونه تصمیم گیری  
شخصی باز میمانند.  
دمکراتیهای خرده بورژوا وقتی  
با مطالب سخت ناشی از تضادها  
هراسناک خود روبرو میشوند، به  
جا و تصحیح خطاها می‌خویش، به  
توجه گیری و نقطه می‌پردازند.  
آنها وقتی که در ورطه تردید و  
تزلزل گرفتار می‌آیند تلاش  
می‌کنند مفهوم واقعی تزلزل خود  
زادر برده اوهام بیوشانند و آنها  
بحساب دیگران بنویسند. آنها  
در بیانیم و هرانی ناشی از این  
ورطه می‌تعمیمی از بورژوازی  
تقلید می‌کنند و بد را شیب  
دیپلماسی سوزشانی می‌فلسفند.  
دمکراتیهای خرده بورژوا همانند  
کومدله به دو زبان محبت می‌کنند؛  
آنها در طعات خصوصی یک نوع و  
در مباحثات عمومی به نوعی دیگر  
سخن می‌گویند.

آنها در جریان مذاکرات زیر  
پوش "اعتقاد"، "انصاف" و "احترام"  
بدنبال اعتبار میگردند و بعد  
از مذاکرات زیر لوای "اعتبار  
بدنبال اعتماد!  
اگر کومدله همان موقع در جریان  
مذاکرات حرف بنیان خود را به  
زبان می‌آورد، اگر بجای  
بیانه جوشیهای کودکانه، این  
حقیقت را می‌گفت که از اعتبار  
گرفتن فداییان میترسد! اگر به  
جای تعریف و تمجید از پیشنیها  
ما، همان وقت مآذانشه و با  
قاطعیت عمل امتناع خود را متذکر  
شده بود، کمک بیشتری به حل  
مسئله میکرد.  
بهرحال، از مسئله اعتبار گرفتن  
یا نگرفتن بگذریم و به مسئله مهم  
تری بپردازیم، چرا که بر هنگام  
روشن است که محبت‌های آقای جعفر  
شفیعی را در این مورد کسی جدی  
نخواهد گرفت مسئله مهم در مورد  
گیری کومدله همانا در غلبیدن به  
ورطه دیپلماسی، دروغ و دورنگی  
بورژوازی است که به لرزی آشکار  
و در موارد متعدد در مقابل آقای  
شفیعی چشم میخورد، او در اینجا  
نیز طبق معمول همیشه کومدله به  
جای پرداختن به مسئله اصلی یعنی  
پاسخگویی به علت امتناع از تشکیل  
کمسیون پیشنیهای ما و طرح اقدام  
شخصی برای پایان دادن به این درگیری  
به حاشیه پردازی پناه برده و به  
شیوه‌ای بسیار مبتذل ما  
پوشش عبارت پردازیهای توخالی  
و درک نظر طبقاتی از موضوع  
اصلی طفره رفته است.  
او بکرات از این شاخ به آن شاخ  
پریده است تا از هرگونه پاسخ  
روشن و مشخص شانه خالی کند.  
آقای شفیی از یکوی به  
تاکید ماری مضمون طبقاتی است  
در گیری با صحت میگذارد و از سو  
دیگر با طرح سوالات انحرف  
توجه خوانندگان را از مسئله  
اصلی دور میکند. او اظهار  
میدارد:  
"لما این درگیریها، ریشده  
هستند، از منشاء مادی منبسط  
سرچشمه میگیرند و منشاء طبقات  
دارند، ما تا زمانیکه چرخ  
روشن نکنند که این "منشاء" مادی  
یعنی "حیث و تضاد طبقاتی است  
کدام طبقات معین اجتماعی است  
این درگیریها منجر شده است  
جزی نگفته است...."



### کوه کوه در و در کوه...

تو با سخنان این سوالات را مطرح کرده است تا به آنها پاسخ ندهد! شریک کمونیست تا کجا از کومله (اولاً سازمان ما موقع خود را - نسبت به ماهیت طبقاتی حزب دمکرات

کردستان و کومله بطور صریح، روشن و واضح در قطعنامه های نخستین کنگره در کلیه مقالات تحلیلی خود مشخص نموده است و به تکرار آن در هر بیانیه تبلیغی و سیاسی ضرورتی نمی بیند. آقای دکتر ثنعلی اگر مشتاق

مرور کردن دوباره آنهاست میتواند به متن قطعنامه های مصوبه اولی بن کنگره سازمان مراجعه نماید. کومله اگر قصد نداشته باشد خودش را به ساده لوحی بزند، حداقل باید اینرا دانسته باشد که هم بیانیه سازمان در مورد

در گیریهای اخیر کومله و حزب دمکرات و هم سربتاله ریگای گدل فقط حاوی پیشینهادات و راه حل های نامستند و نه تحلیل شخصی و ریشه یابی این در گیریها!

رفتای کومله مطمئن باشند چنانچه با بیانیه های غیر منطقی خود - همچنان از دست یابی به یک راه حل اصولی خودداری ورزیده و به این جنگ کور ادامه دهند، ما تحلیل مشخص خود را از اینسین در گیریها همراه با ریشه یابی طبقاتی مطلوب کومله بد توده - های زحمتکش خلق کردو مردم سراسر ایران ارائه خواهیم داد.

ثانیا - اگر مثلاً مادی معین و ریشه طبقاتی این در گیریها چگونه که اکنون کومله ادعا میکند، برایش روشن و مسلم بود و حداقل در حرف هم که شده به آنچه که می گوید بایست میبود، هیچگاه بنظر حزب "اعتقاد" از حزب دمکرات و کتب "احترام" بسند دمکراسی و رعایت "انصاف" نمی - افتاد و به این استدعاهای غیر طبقاتی توسل نمی شد.

ما توحه کومله و حزب دمکرات را به ریشه طبقاتی این در گیریها جلب کردیم تا این یکی نگر نکنند که دعوا بر سر "اعتقاد" و بیاسی اعتمادی بوده است و آن دیگری آن را ناشی از خودخواهی بل تنگ نظرانده "خان زاده ها" و نحوه - تبلیغاتشان بدانند!

مانع اصلی تحقق توانمندیها بین کومله و حزب دمکرات، احترام نگذاشتن حزب دمکرات به دموکراسی است (همانجا تا کجا از ماست)

در حقیقت درک شرط طبقاتی خود را به نمایش می گذارد. او با این رزیابی بخوبی نشان میدهد که کوچکترین درک واقعی از آنچه که بنظر ما "حقیقت مسلم" از آن یاد میکند، ندارد. کومله هنوز نمی داند با طرح مسئله های بنوعی صورت حقیقت مسلم بنیادهای مادی معین را در ورای این در گیریها به یک ذهنیت غیر مسلم، بوج و راهی تبدیل کرده است.

پس واقعیت این است که کومله ادعا می کند، واقعیت این نیست که حزب دمکرات به دمکراسی احترام میگذارد یا نمی گذارد، موضع منصفانه اتخاذ می کند یا نمی کند، کومله اگر از حداقل درک طبقاتی برخوردار بود، باید اینرا میفهمید که دعوا بر سر "اعتقاد" یا "احترام" نیست، واقعیت این است که کومله و حزب دمکرات لایه های متفاوت - خرده بورژوازی را با منافذ متفاوت نمایندگی می کنند، آنها خواهان استقرار دمکراسی در

محدوده معین و چهار چوب مشخصی هستند. پس "حقیقت مسلم" این است که این دو ادراک نمی توانند در خطوط کلی و حول معیار رهسای نامشخص غیر قابل کنترل و بدون - حد و مرز مثل "اعتقاد"، "احترام" و "انصاف" غیره تعیین پیدا کنند. آقای ثنعلی اگر معنی واقعی جمله "پرداز بیایی و پراطلاخ خود را میفهمید، اگر صف بندی طبقاتی را بدرستی می شناخته اگر در لحظات خطیبر و سر نوشت ساز کنونی نقشش جنبش انقلابی خلق کردو در انقلاب سراسری ایران می فیمید، دنباله رو حوادث نمی شد و به در گیریهای مسلحانه ای تن نمی داد که فقط بکا بورد آن به از دست رفتن بیشتر از ۲۰ پیشمرگ انقلابی مبارز آنجا

میداد. ما با درک عمیق از همین حقیقت مسلم بود که پیشنهاد کردیم: - کمیسیون نی مرکب از نیروهای انقلابی برای تعیین حدود مشخص مسوارد اختلاف و تعیین محورهای قابل توافق بوجود بیاید و خود ناظر بر اجرای آن از جانب هر دو طرف باشد، ما مطمئن هستیم این محورها میتوانند مشخص شود و از هر گونه در گیری در شرایط کنونی اجتناب گردد!

۲- ایشان برای توجیه ظفره

رفتن کومله، از تشکیل کمیسیون پیشنهادی ما به تحریف حقایق مسلم دیگری دست زده است او با تخطئه مخره آمیز اهداف و وظائف کومله چنین کمییونی، تلاش کرده است تا ضرورت آنرا نفی نموده در همین حال پاسخهای بظاهر نانع کننده، دست و پا نماید!

آقای ثنعلی می گوید: "سخنما پس به نوآوری می پردازد و به عنوان راه حل جلوگیری از اینسین در گیریها پیشنهاد میکند که خط و مرزهای مشترک حزب دمکرات و کومله تعیین گردند و... در صورتی که طی چند سال گذشته بارها و بارها در پی در گیریهای تحمیلی حزب دمکرات مذاکراتی بین رهبری کومله و حزب دمکرات صورت گرفته، خطوط مشترک مورد توافق طرفین تعیین گردیده، پذیرفته شده و امضاء گردیده، و به اطلاع همگان رسیده است... مشکل اساسی نبود چنین قراردادهای و توافق نامیده مشترک نیست و ضرورتی ندارد که سخنما به خود زحمت دهد و مابانی التقاطی و پشیمانانه افتاده! چرا - ارائه دهد" (همانجا)

البته امر بسیار مشتاق خواهد بود هر آینه چنین توافق نامها و قراردادهای آنگونه که کومله ادعا میکند وجود داشته باشد. اگر چنین چیزی هم درست باشد (که نیست) باز هم ضرورت تشکیل کمیسیون پیشنهادی ما را که عمدتاً نقش ناظر فعال رنه منفعل را دارد منتفی نمی سازد، زیرا ادامه این در گیریها خود نشان روشن بر کافی نبودن چنین توانمندیهای است. اما تا آنجا که ما اطلاع داریم و اسناد و مدارک دو طرف خواهی میدهد، جز در موارد جایگاهی نیروهای بین حزب و کومله و استراده سلاح آنها،

بر سر مسائل اساسی مورد مشاجره امروز کومله و حزب، سوژه نحوه جمع آوری کمکهای مالی ر شیوه اخذ کمکهاست که به در گیری "کمیونی" منجر شده و هنوز توانمندی مشترکی بوجود نیامده است! هم حزب دمکرات و هم کومله در این زمینه طرحهای خارج خود را ارائه داد دانند که یک نسخه از آن توسط هر دو جریان در اختیار ما قرار گرفته است ما بسیار خوشنود می شیم اگر رفتای کومله بجای ارائه طرح برای توافق در این موارد و استقبال از تشکیل کمیسیون پیشنهادی ما برای حصول به نتیجه، از ابتدا همین پاسخ را میدادند و بجای توسل بسند

### دوره جدید در ورطه...

بیانده جوئیهای آنجانی صریحاً از عدم ضرورت تشکیل چنین کمییونی صحبت به میان میاورند! در این صورت مجبور به دروغ بردازی نگشتند و این "زحمت" را متقبل نمی شدند که در مذاکره با مایک دور موضع بگیرند و در توضیح به دواداران خود موضع دیگری را تماماً بنمایند با آن اتخاذ کنند!

م. آقای شفیعی در مقاله خود با محلات توجه بر انگیزی به مدافعت از کار کمیونیهای پیشین پرداخته و تلویحاً میانجیگری "بیطرفانه" آنها را مورد تائید قرار داده است.

آقای شفیعی اگر مادانند بر مورد میگرد، لااقل تا آنجا که در مورد کدخداهای منشی و بی حاصل بودن کار کمیونیهای قبلی با ما - اشتراک نظر داشت و در همه مذاکرات نیز بر آن پیر تائید گذاشته بود، امروز موضع متفاوتی اتخاذ نمی کرد، و باین دلیل ناشیانه بدفاع از کمیون های پیشین نمی پرداخت.

در مورد بی نتیجه بودن وعدم بار آئی کار کمیونیهای مورد نظر بومدله همینقدر کافیت که گوئیم هیچکدام از آنها نتوانستند در پایان کار خود موضع روشن و مشخصی اتخاذ نمایند بحدود برجسته آنها همین - کمیون تحقیق رویداد سوسیالی بود که بنام اذعان خود کومدله هیچگاه تصادید تصمیم گیری بیائی و اعلام نتیجه کار خود شد و مسئله همچنان در پسرده پیام باقی ماند.

حال معلوم نیست آقای شفیعی بمنظور نخطه پیشیناده تاویل بد دفاع از کمیونیهای پیشین شده اند بویا مانع از زمان بود در حفظ و ادامه شونده های کدخداهای "چنین کمییون ناشی جستجو می کنند؟ در صورت این موضوع هیچ تفاوتی در اصل تضید ایجاد نخواهد کرد!

م. آقای شفیعی با حالتی حق بجانب می گوید: "تمام نو آوریهای سچخا در همین مسئله مثبت یا کمیون جدید تحقیق خلاصه میشود. سچخا از نوشته های فوق بطور پوشده و نمایندگان آنها در مذاکرات بطور آشکار بر این مسئله تاکید کردند که حضور سچخا در هیئت و با کمیون ضمانت اجرائی

و اعتبار به کمییون خواهد داد سچخا باید به این سؤال جواب بدهد که چرا دفاع از دمکراسی انقلابی را بشرط بد قول شرکت خود، در کمییون تحقیق میکنند؟ چرا در حال حاضر وعده میدهد، قول میدهد و قسم میخورد که از دمکراسی انقلابی دفاع خواهد کرد. ولی در عمل حتی یک بیانیه کوتاه، حتی یک سطر هم در محکوم کردن اعمال فد دمکراتیک اخیر حز بدمکرات در جنوب کردستان صادر نکرده و همد جبراز را به تشکیل این هیئت تحقیق و شرکت خودش در آن موکول میکنند! چرا در مورد پرونده تحقیق مربوط به در گیریهای سوسیالی "لام تا کام سخی بر زبان نمی رانند؟"

چرا با وجودیکه مردم گلبد طبر اطلاعاتی و جگونی تعرض حزب دمکرات را بیان داشتند و این اطلاعاتی که توسط توده های مردم در جنوب کردستان صادر گشته از طریق رادیو صدای انقلاب ایران و نشریه کمیونیت به اطلاع همگان رسیده است با این همد چرا سچخا لب فرو بسته است؟ (امانجا)

براستی آقای شفیعی عجب ذکاوتی به خرج داده اند! ایشان با این استدلال نقطه لب خنده خوانندگان خود را فراهم میارزند:

ما تاکنون نمی دانستیم که سازمان ما می بایست پشت شیوه برخورد های غیر اصولی و کاملاً اشتباه آمیز کومدله و حزب - دمکرات بر سر جگونی اخذ کمکرات و امثالهم نیز (که باز تاکید میکنیم، قطعاً ناشی از اداراک لطیقاتی آنهاست)، در این یا این مورد بایستد و بزعم آنها از "دمکراسی انقلابی"

دفاع نموده و از این موضع، این یا آن نیروی سیاسی راه کرده ر ادامه این روش برخورد، قطعاً به درگیری مسلحانه کشیدند و میشوند، چون اول شلیک کرده است یا نکرده است، محکوم یا شرفه نماید!

- تمام تلاش ما این بود است که برای ریشه یابی و تحقیق رویدادهای اخیر یعنی واقعه جنوب کردستان که در روستای گلبد و نواحی دیواندره اتفاق افتاد، کمییونی تشکیل شود و نتایج تحقیقات خود را با اطلاع "انکار عمومی" مردم ایران و جهان برساند کومدله نیز در اساس با این طرح موافقت کرده بود و نمی توانست هم موافقت نکند. اما حالا با این

دعوی به میدان آمده است کدچرا سچخا لب فرو بسته، "ویک کلمه هم در محکوم کردن حزب دمکرات در این واقعه سخی بنمایان نیارود است!"

از رهبران نابغه کومدله باید رسید، اگر هر گونه موضعگیری بدون یک تحقیق مشترک و بیمنت از آن بدون تلاش برای یافتن راه حل بمنظور جلوگیری از ادامه ای در گیریها موثر قرار می گرفتند چه نیازی به تشکیل چنین کمییونیا وجود داشت؟ کومدله اگر قصد عوارضی نداشته باشد، بجای طر این سوالات ساده اندیشانه و بی عرض این تفسیرهای پیغمبر گونه می بایست نعلاند در جهت تشکیل کمییون مورد نظر گام بر میداشت و در جریان عملی بطور مشخصه کلی هر گونه موضع "بینابینی" و "تزلزل" را اثناء می نمود.

آقای دکتر شفیعی اگر کمی مدات به خرج میدادند می گفت "چنین دفاع از دمکراسی انقلابی را شروط بدستول شرکت خود در کمییون تحقیق میکند" سازمان ما اگر خود را ملزم بدفاع از دمکراسی انقلابی نمی دید، هیچگاه خواستار تشکیل چنین کمییونی نمی شد. آنهم بد بدانگونه که ایشان ادعا میکنند، (تنها با شرکت نمایندگان ما)، بلکه نمایندگان مورد توافق حزب دمکرات و کومدله از اینهم بیمنتتر آقا شفیعی بعنوان کسی که در این مذاکرات حضور داشتند، خودشان خود میدانشند چیزی که برای ما بمرات از خود کمییون بیمنت بود که یافتن به یک طرح عملی مشخص و کوشش برای رسیدن به راه حل اصولی بمنظور پایان دادن به این در گیریها بود و نه اغزاماً -

تشکیل یک کمییونی نفی ما غیرم تبلیغات مسوم کومدله همچنان معتقدیم در آینده نیز اجتناب از این در گیریها تنها با ایجاد چنین کمییونیهای متحقی خواهد شد. ما برخلاف تئوریسینا ساده اندیش کومدله، دفاع از دمکراسی انقلابی را تن دادن به راه حلهای کور، خودبخودی و نامناسبین یا آن جریان سیاسی تلقی نمی کنیم. نقطه آدمیای کودر ممکن است بد این بلاست مورد درخواست آقای شفیعی تیر بدهند که بدون بدست دادن چشم انداز روشن نسبت به این در گیریها و بدون یافتن راه حل مناسب و تطبیقی باشد، بارهمنمو های کور و راه حلهای نامناسب

کمیته مرکزی فدائی خلق ایران

معدای "انقلاب" و نشریه "کمونیست" اینان، هم‌آواشی کنند.

حالب‌ترین مسئله، آنکه از جانب آقای شینی به شوه‌ای بی‌سببی ناشیانه مورد برده پوشی قرار گرفته است. همانا سرفروود آوردن کومدله در مقابل این جنگ‌گسور و تن‌دادنده راه‌حلی‌های خود - خودی بر "نامناسب" مسئله است.

و از اینیم جالب‌تر اینکدایشان با امرارخاصی از مانیز برای کشیده شدن به این حرکت‌گسور دعوت بعمل می‌آورند. آقای شینی که گویا اولتیماتوم‌های افتخار آمیز سازمانشرا در ادامه داده و تشدید این در گیریها بسبب فراموشی‌برده است، در پاسخ بیانه ما می‌گوید:

"سجفا عادت دارد دیدنیات را بگوید، اما آنجا که بموضع شخیرسد زیان‌شوند می‌آید.

این‌مسئله که "این در گیریها حل نماند" و کورمسئله هستند "آشنایی هرکودک دبستانی در کردستان است سجفا تماماً بی‌کریزه از اینکدبرای خواننده کار و ریگای گدال‌ش روشن کنند که: کدام نیروهای سیاسی طبقاتی و بنا به کدام ضروریات تحمیل در گیریها - مسلحانه را شوه حل مسئله میدانند؟ برای اینکدبفهمیم رهبری کومدله با اندازه یک‌کودک دبستانی" هم‌با "مسائل آشنایی" دارد یا نه؟ کانی است نقطه‌موضع او را در نشریه "کمونیست" شماره ۶ بجا طرثاً آوریم:

این نشریه به نقل از رادبند - بوی کومدله می‌نویسد: "معدای انقلاب رادبوی کردستان حزب کمونیست ایران، ضمن تشریح دقیق - قانع علت آنرا - نفسی

اصول دمکراسی و عدم پایبندی حزب دمکرات به این اصول - امید و اعلام کرد که حزب دمکرات، با ایجاب چنین وقایعی در واقع اعلام میکند که جواب تبلیغات سیاسی را بسط کلود خواهد داد و به آزادی و تبلیغات و فعالیت سیاسی معتقد

نیست و در همین حال اعلام نمسود که کومدله به هیچ‌وجه در مقابل ادامه چنین سیاستی از طرف حزب دمکرات ساکت نخواهد نشست" (نشریه کمونیست) و با: "ما استادساکن با حزب دمکرات وارد جنگ نمی‌شویم و آغازگر درگیری نخواهیم بود، اما بطور قطع هر کومدله تعرض مسلحانه را شدت خواهد کرد و خواهیم دیدو اینرا حق مشروع خود میدانیم" همانجا

مناصبه آقای ابراهیم طلیز ده

این موضع گیری‌های صریح و آشکار کومدله را به چه چیزی میتوان تشبیه کرد، جز تن‌دادن به راه‌حلی‌های "نامناسب" و "کور مسئله" جز سر فرود آوردن در مقابل حوادث و حرکات خودبخودی، این اولتیماتوم جنگی را به چه چیزی می‌توان تعبیر کرد جز بی‌توجهی به نقش ارزنده و پر اهمیت جنبش انقلابی خلق کردو عدم درک این لحظه از حیات جنبش انقلابی خلقیای سراسر ایران. این نقطه نظرات داهیانده را - چگونه می‌توان توضیح داد، جز این که بگوییم کومدله عقلش با اندازه یک "بج‌دبستانی" هم به مسائل جنبش قد نمی‌دهد؟ پس ما نمی

گریزیم از اینکد بگوئیم کدام نیروهای سیاسی طبقاتی و بنا به کدام ضروریات - این در گیریها - مسلحانه تن میدهند و برای

یکدیگر خط و نشان میکشند، کومدله می‌تواند به این جنگ کورادامه بدهد، می‌تواند هر گونه تلاش ما را برای مبار کردن این در گیریهای خونبار به شخکه بگیرد. کومدله می‌تواند تن‌دادن به این حرکات خودبخودی و نا بخردانه را نیز دمکراسی انقلابی بنامد، اما هرگز نمی‌تواند از ما انتظار داشته باشد که در اتخاذ این راه - حلی‌های "نامناسب" که خود صریحاً به آن اذعان دارد، موضع او را - تایید نماییم، او نمی‌تواند از ما بخواهد که همانند "بچه دبستانی" دنباله رو اشتباهات او شویم!

از تئوری‌های کبیر کومدله باید پرسید در کدام یک از ادبیات مارکسیستی دنباله‌روی از حوادث خودبخودی و تن‌دادن به راه‌حلی‌های نامناسب انقلابیگری پرولتاری و پایبندی به دمکراسی انقلابی شناخته شده است. این دفاع از کدام دمکراسی انقلابی است که بجای تلاش مشولاند برای یافتن راه‌حلی‌های اصولی سیاسی با ساحت تمام راه‌حلی‌های کور و نامناسب پیشنهاد میکند.

دفاع از دمکراسی انقلابی شناخت عمیق جایگاه جنبش انقلابی خلق کرد در انقلاب سراسری ایران و تلاش مداوم برای تحکیم و تقویت صفوف توده‌های ملخ آن است. دفاع از دمکراسی انقلابی، کوشش برای مسانعت از درگیری‌های

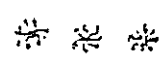
زیانبارتبر آمیز در شرایط - کنونی، جنبش، جلوگیری از کوتسد نظری‌های گروهی و افشای بی‌است‌های تنگ نظراندهای است که مصالح و منافع دمکراتیک خلق قهرمان کرد را بخاطر میاندازد، در یک کلام دفاع از دمکراسی انقلابی در کردستان اتخاذ تاکتیک و روش مشخصی است که مفوف - مبارزه با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را پیش از پیش متعکم و فشرده می‌آزد.

کومدله همان "کودک دبستانی" است که تصور میکند، تحلیل ما از اوبه مثابه دمکرات انقلابی کانیست تا از هر حرکت‌گسور هر گرایش غیر اصولی هر تاکتیک نامناسب اوبه دفاع برداخته شود.

طبیعی است که ما به جنبش - هم‌راهی ندتنیادتن نمیدهم، بلکه با قاطعیت تمام به مبارزه با آن نیز بر میخیزیم. و واقعیات نیز این تلاش ما را تایید کرده است و میکند، همان واقعیاتی که زیر فشار آنها امروز کومدله مجبور شده است انگیزهای واقعی استنکاف خود از اقدامات فعالانه برای جلوگیری از این جنگ‌گسور

اعتراف نماید، کومدله در این اعتراف هر چند تنگ نظر بی‌سبب خرده بورژوا - منشا خود را به نمایش گذاشته است، اما افشاء جبری و خود بخودی این تنگ نظریها، در همین حال نتایج مثبت خود را نیز بار خواهد آورد. همان عوامل فشار و همسان دلائلی که کومدله را مجبور کردند به افشای نیات نهانی خود دست بزند، همان عواملی که او را - وادار کردند در از تنگ نظری‌های خود را بر خود افشاء کند، همان عوامل او را وادار خواهند نمود، از ساجتماعی لحوچاند و تنگ نظرانده در تمکین به شکل خود بخودی حرکت دست بردارد و به راه‌حلی‌های عقلی و اصولی برای پایان دادن به در گیریهای خونبار - بین خود و حزب دمکرات کردستان در لحظه کنونی روی آورد.

کومدله با اعتبار دمکرات بود و خود نمی‌تواند سیاست دنباله‌روی کنونی از حوادث را همچنان ادامه دهد، مگر آنکه از مواضع - دمکراتیک خویش دست بکشد.



# روز جهانی زن

از صفحه ۲۲

فدایای فرهنگ طبقاتی جوامع پیش از خود در زمینه بهره کشی هر چه بیشتر از کارگران و زحمتکشان، بویژه با ابقای ستم مضاعف بر زنان، و اعمال آن بر مناسبات نابرابری جنسی آشکار ساخته است. کده میراث دارو اتعی این جوامع بوده و هست مسئله تبعیض بر بنیاد جنسیت بین مرد و زن مؤلدهای است که به نخستین ادوار پیدایش جوامع طبقاتی و بویژه بدوران بعد از تقسیم کار اولیه بر میگردد که بر بنیان آن نقش مسرد با توجه به کار آیی جسمی آن در تولید، تفوق کامل یافت و در تمامی دوران موجودیت جوامع طبقاتی این تفوق به انحلی گوناگون حفظ شده، حتی در ادیان و مذاهب و فلسفد فرهنگ ایمن جوامع نیز بعنوان یک اصل بدیسی در مقابل بی حقی عمومی زنان بوضوح آورده شده و مسورد تاکید قرار گرفته است.

نظام سرمایه داری نه تنها بنا به ماهیت خود در جهت حل آن گامی برنداشته است بلکه عملا اعمال آنرا در اشکال پیشرفته تری رسمیت نیز بخشیده است. این رسمیت بخشیدن که در حقیقت بنا توسل به فرهنگ و ادیان متعلق به دورانهای ماقبل در تریاط جدید توجیه میگردد در عمل مضمومی جز تشدید استثمار و بهره کشی هر چه بیشتر را ندارد که در امر پرداخت دستمزد کمتر در مقابل کار برابر به زنان، خود را متجلی میازد. و جنبش دمکراتیک زنان در جوامع سرمایه داری که در جیت از میان برداشتن چنین ستمی، تلاش میکند، یکی از جنبش های فعال جوامع سرمایه داری است که در جهت ننی ستم های ناشی از این نظام کوشش میکند و طبقه کارگر جوامع سرمایه داری که در جهت سرنگونی نظام سرمایه داری تلاش میکند با دامن زدن سازماندهی و رهبری این جنبش ها تضاد بخشهای وسیعی از توده ها را سز به مبارزه خود ملحق می نماید.

جنبش دمکراتیک زنان در طول

دوران مبارزه اش بدستاوردهای زیادی دست یافت است و بانشار قربانیان بی شماری بسیاری از خواستهای خود را بر دولت های سوززواتی تحمیل کرده است که اهم آنها، داشتن حق رای برای زنان، ایجاد تسهیلات در مجتمع های تولیدی مختص آنان، مرخصیهای دوران بارداری و زایمان، ممنوعیت کار شبانه برای زنان و ... غیره است.

در ایران نیز زنان کارگر بر بسیاری از این خواستها در مبارزه شان تلبه رژیم شاه یافته بودند، هر چند رژیم شاه آنها را بیار محدودتر از دیگر کشورها بر رسمیت شناخته بود، لیکن بعد از سرنگونی این رژیم منصوره زنان زحمتکش کشور ما نه تنها بر حقوق کامل خود دست نیافتند، بلکه مثل تمامی زحمتکشان دیگر با بی حقی عمومی و لبا ابتدائی ترین حقوق از سوی رژیم جمهوری اسلامی روبه رو گشتند و عملا با تضویب لوابیجسی مثل لایحه تصاص و غیره که در آنها حتی بتمام انسانی آنان نیز آشکارا توهین شده است، اصولا از امکان برخوردار از ابتدائی ترین حقوق انسانی نیز بی بهره گشتند و بقسمت بر تجمین وابسته به رژیم جمهوری اسلامی از دنیای ذیشعوران نیز بیرون قلمداد شدند.

جنبش دمکراتیک زنان نه تنها در ایران رژیم جمهوری اسلامی، که در سراسر جهان، با قدرت تمام تلبه بیدار شدی مبتنی بر تبعیض جنسی به مبارزه پرداخته و نمونده های درختانسی از مبارزه را از خود برجای گذارده، و نقش زنان را نه تنها در عرصه این مبارزه بلکه در مبارزه عمومی جنبش کارگری و توده ای در ایجاد نمونده های به نمایش گذاره است. نمونده های درختان این مبارزات در کشورهای مختلف جهان تاکنون به اشکال بارزی خود را نمایان کرده است. که در سرحته ترین آن نظا هرات محسوده زنان در روز ۸ مارس ۱۹۱۷ در شهر پتر و گراد بود که در آن بیش از ۹۰ هزار محارگر زن و مرد تلبه گرسنگی، فقر و جنگ دست به اعتراض زدند.

تجارب گرانبار جنبش زنان در تمامی انقلابات جهان، تا سرات

درختان خود را برجای نیاده است، تجربه انقلاب کبیر اکتبر انقلاب ویتنام و کوبا و دیگر انقلابات پیروزمند جهان این اصل مسلم را اثبات کرده است که هیچ انقلابی بدون شرکت فعال زنان بد پیروزی نخواهد رسید.

زنان مبارز همانند مردان با شرکت فعال در جنبشهای انقلابی جهان چهره های درختان و شخصیتها بارزی همانند کلارا زتکین، روزا لوگزامبورگ (از رهبران سویال دمکراسی آلمان) و کولشتای از اعضا کمیته مرکزی حزب بلشویک را نام برد که در سازماندهی جنبش های انقلابی کشورهای خود و آگاهی تلبه کارگر جهانی نقش بسیار موثری ایفاء نموده اند.

در انقلابات پیروزمند سالها و کنونی نیز شخصیت های مبارز و برحسدای همچون نگوئین دیسز معاون فرماندهی کل ارتسش آزادبخش و عضو هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، ماریا تزا از فرماندهان انقلابی نیکاراگوئدو آنا مارتینز از رهبران برجسته جبهه دمکراتیک انقلابی السوادور را نام برد.

در ایران نیز زنان قهرمانی همچون فدائیان خلق مرضیه احمدی اسکونی و فاطمه غروی و مجاهد شهید فاطمه امینی از چهره های درختانی بودند که قدرت فداکاری و ایمان انقلابی را در قلب زنان زحمتکش بین ما شله و ر ساختند. زنان مبارز کشور ما همانگونه که در انقلاب کنونی شاهد آن هستیم در مبارزه با رژیم گذشته با تظا هرات عظیم خیابانی و شرکت موثر در قیام بیمن نقش واقعی خود را در سرنگونی سلطت پیلوی ایفاء کردند و امروز نیز با مبارزه سرحت تلبه رژیم جمهوری اسلامی که بیشترین ستم را در حق زنان کشور ما روا داشته است نقش بزرگی بعبده گرفتند. آنها زی سخت ترین شکنجه ها قهرمانان ایستاده اند و جوخدهای شریار را با سرود و شعار به دروازه فتح و پیروزی آینده تبدیل کرده اند. این روز تاریخی بر همه زنان مبارز کشور ما گرامی باد.

\*\*\*

همیچ جنبش حقیقی توده های، بدون شرکت زنان، نمی تواند وجود داشته باشد

### خاطره دکتر محمد مصدق

رهبر جنبش ملی کردن ایران

## گرامی باد

۱۴ اسفند ماه مصدق با هفدهمین سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق رهبر جنبش ملی کردن نفت در سالهای ۳۲-۱۳۲۹ بود. در چنین روزی بود که او در تبعید گاه خود، در احد آباد تزوین دیده از جهان فرو بست. طی دهن بیست و بعد از سرنگونی دیکتاتوری رضا خان، بوج وسیعی از جنبش دمکراتیک فدائیسویالیستی سراسر ایران را فراگرفت که متعاقباً پایان جنگ جهانی دوم به اوج خود رسیده و خواستهای متعددی را مطرح نمود که یکی از آنها مسئله ملی کردن شرکت نفت ایران و انگلیس بود که با غارت کردن منابع عظیم نفتی کشور ما و مداخلات پنهان و آشکار در کشور مادر طول نزدیک به یک قرن و بویژه بعد از انقلاب مشروطیت ایران منظور مسووم توده های زحمتکش بود. این مبارزه که در شمار ملی کردن شرکت نفت متجلی بیعت یکی از مهمترین مسائلی ملی بود که بخواست عمومی تبدیل شده بود و دکتر مصدق با پانشارتقا طع روی تحقق این خواست عمومی بود که در او آورده ۲۰ به محبوب ترین چهره ملی ایران بدل گشت و نهایتاً نیز در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ موفق بانجام آن و خلع ید از شرکت انگلیسی نفت بریتیش پترولیوم (که در ایران تحت عنوان شرکت نفت ایران و انگلیس فعالیت می نمود) گردید. دولت مصدق بعد از انجام این کار با توطئه های متعدد امپریالیسم انگلستان روبرو گردید و عملاً استخراج نفت تونفنگشته او که در معدن بود تا در این زمین از تفاده های درونی امپریالیستی بود جسته و بن بین طریق بتواند دوباره استخراج نفت را برآورد و عملاً و بدلیل سازش امپریالیستی به ویژه امپریالیسم آمریکا با امپریالیسم انگلیس در زمین تقسیم منابع نفتی ایران، موفق به این کار نشد و در نتیجه دولت او با گسری بودجه عظیمی (که اساس آن بر پایه تولید مسک محصولی نفت متکی بود) مواجه

گردید و از عهده انجام املاحتی که توده های زحمتکش هر روز از دولت او طلب می کردند، برنیا صدق که درک محدودی از مبارزه علیه امپریالیسم داشت و با اتکاء به ارگانهای قانونی که بسیاری از پستهای حاکمان را مرتجعین وابسته در بار و ایسادی امپریالیسم اشغال نموده بودند، اقدامات خود را به پیش میبرد و عملاً علیرغم محبوبیت توده ای گسترده نتوانست از انرژی و توان انقلابی آنها در جهت برآوردن اهداف خود سود جوید. او که معتقد بود قدرت اصلی امپریالیسم در خارج قرار دارد، پایگاه داخلی آنها دست نخورده باقی گذاشت و عملاً دست آنها را در اجرای توطئه های مختلف باز گذارد. او بنا بر ماهیت طبقاتی اش ارتش و ارگانهای سرکوب را دست نخورده باقی گذاشت و بنا به ماهیت خود دربار پهلوی و مرتجعین منشکل چهره آنها که سالها خون زحمتکشان را در شیشه کرده بودند آزاد گذارد و دستگاه دولتی را دست نخورده و با همان عریضی و طوپی تحویل گرفت و حتی پس از کودتای نا فرجام ۲۵ مرداد نیز که حامل فعالیت شرکت امپریالیسم انگلیس، آمریکا و ارتجاع داخلی جهت سرکوب جنبش ملی ایران و ساقط نمودن دولت ملی او بود، قاطعانه اقدام به افشای چهره جنایتکاران توطئه گر ننموده نه تنها چنین نکرد بلکه تمامی واقعه را نیز با مردم در میان گذاشت هر چند او بعد از شکست کودتای ۲۵ مرداد عده ای از سران ارتش و ... را دستگیر نمود، اما باز هم قاطعانه در مدد سرکوب توطئه گران کودتا چنان بر نیامد. و در حالیکه با انتشار خبر کودتا، جنبش توده ای بیلیان آمده آماده مسر گونه مقابله جدی با اقداماتی از این قبیل بود، او مردم را به حفظ آرامش دعوت نمود. یکی دیگر از اشتباهات مصدق عدم اتکاء او به نیروهای

انقلابی از جمله به کمونیستها بود هر چند حزب توده، نه تنها حزب کمونیست نبود بلکه بیشتر کاریکاتوری از یک حزب کمونیست بود. دکتر مصدق که از تز موازنه منفی و حفظ تعادل میان اردوگاه سوسیالیستی و امپریالیستی پیرو میگرد، در سطح داخلی نیز ایستادگی خود را با عدم اتحاد با نیروهای رادیکال که علیرغم تمامی اشتباهاتش آنها را نمایندگی میکرد، عملاً نتوانست اتحاد ملی مستحکم در قبال امپریالیسم و ایادی داخلی آن که هر روز متشکل تر از روز پیش میشدند، با وجود آورد. اگرچه حزب توده نیز با سیاستهای اشتباه و شارهای انحرافی خود، زمینه بدبینی او را فراهم ساخته بود، با این همه بعد از تغییر سیاست حزب توده و حتی در آخرین روزهای حکومتش نیز از هر گونه همکاری نزدیک با نیروها چپ سرباز زد.

فدائیسویالیستی طبقاتی دکتر محمد مصدق موجبات تضعیف هر چه بیشتر موقعیت او را بتدریج فراهم آورد و در نتیجه ارتشی که خود دکتر مصدق در رأس آن قرار داشت و قدرت ایجاد هرگونه تغییر در آن را داشت در ۲۸ مرداد ۳۲ با دستگیری امپریالیسم آمریکا بر علیه منافع حیاتی تمامی خلقهای سراسر ایران دست بسته کودتا زد و دولت مصدق را سرنگون ساخت و با انجام این کودتا ساید، نتایج دستاوردهای جنبش دمکراتیک فدائیسویالیستی ایران نابود شد و سلطه امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، با شدت هر چه بیشتر و عریانی بر خلقهای سراسر ایران تحمیل و هر چه مستحکمتر گردید. آنچه که در طول دوران جنبش دمکراتیک فدائیسویالیستی در آن سالها اتفاق افتاد و در ۲۸ مرداد به سرکوب قطعی این جنبش انجامید به خوبی نشان داد که رهبری این جنبش چه اهمیت تعیین کننده ای دارد. این روند نشان داد که رهبری غیر پرولتری جنبش جنبشهایی حتی در چهره نمایندگان بورژوازی ملی همچون دکتر مصدق چه نتایج انباشته بار آورده، و چه ضربات جبرانناپذیری بر بیکر این جنبش خواهد زد. تزلزل و تردید و عدم قاطعیت در سرکوب قطعی فدا انقلاب داخلی و دست نخورده باقی گذاشتن ارگانهای سرکوب همچون ارتش، پلیس

### کارل مارکس

از صفحه ۶

بدین گونه بود زمانیکه...  
مارکس دیده از جهان فرو بست  
میراث عظیمی از خود بر جای  
گذاشت که راهنمای پرولتاریای  
جهانی در تمامی عرصه‌های فعالیت  
سیاسی - ایدئولوژیک و عملی  
آن بود. میراثی که فرهنگ  
متعالی بشریت را نمایندگی -  
میکرد.

مارکسیم بعد از در گذشت  
مارکس در میان طبقه کارگر هر  
چه بیشتر رسوخ کرد تا آنجا که  
به تنهایی جنبش کارگری جهانی  
مبدل گشت و به عامل تعیین  
کننده‌ای در جامعه بشری تبدیل  
شد. درست در این دوره از حیات  
مارکسیم بود که ایدئولوژیهای  
بورژوازی و خرده بورژوازی که

دیگر توان رقابت با مارکسیم  
را نداشتند، تلاش نمودند به  
لباس مارکسیم در آمده با مسخ  
آموزش‌های مارکس آنها از -  
محتوی خالی نمایند. گسسته  
برنشتاینیم و سایر جریان‌های  
ایدئولوژیستی از جمله منشیسم  
در روسیه از آن دست بودند اما  
آموزش‌های مارکس با ملاحظه  
آهنگین و روز افزون خویش توسط  
مارکسیستهای وفاداری همچون  
لنین، جلائی هر چه بیشتری  
یافتند و با تحولات جدید در جامعه  
بشری و بویژه با تحولات آغاز  
قرن بیستم انطباق کامل  
داده شده، در دوران مبارزه  
طبقاتی آبدیده گشت. لنین با اتکاء  
به آموزش‌های مارکس مرحله جدید  
سرمایه‌داری یعنی عصر امپریالیسم  
را تحلیل نموده، آموزش‌های  
مارکس را غنای هر چه بیشتری  
بخشید.

و در پرتو این آموزشها و کار



بست خلاقه آنها نخستین انقلاب  
سوسیالیستی پیروز شد جهان را  
رهبری نمود و بدین وسیله مرتدیه  
و خائنان به آموزش‌های مارکس  
مارکس را نه تنها از نقطه  
در صفحه ۱۵

### سال نورا...

از صفحه ۱

قبرمانانه با یورش‌های وحشیانه  
رژیم را پشت سر گذارده است.  
و درست پنج سال پیش و بلافاصله  
بعد از قیام بیمن ماه بود که  
خلق کردیا نخستین یورش وحشیانه  
حاکمیت جدید بر توده‌های تسام  
کننده در سنج روبرو شد. سلاح  
بر دست گرفت و با دشمنان جدید  
و با سرکوبگران تازه بدوران  
رسیده نیز به مقابله برخاست  
و خواست دمکراتیک خود را با  
مکول و خون خود فریاد  
زد و بد گوش تمامی خلقیهای  
سراسر ایران رسانید. از آن روز  
تا کنون جنبش انقلابی دمکراتیک  
این خلق قبرمان با تمام ذرات  
و نشیب‌های خود، نه تنها گامی  
به عقب ننشسته است بلکه هر  
روز متعمم تر از پیش، -  
عرصه‌های جدیدی از مبارزه را  
باز گشوده، و جنگی تمام جنبار  
و خونین را در سراسر کردستان  
به پیش برده است. جنگی که  
بدنیال خود طیرغم قربانیان  
بیشار، ویرانی و آوارگسی

و کشتارهای دسته جمعی و... را  
سنوان کارنامه ننگین رژیم  
جمهوری اسلامی پیروزیهای چشم  
گیری را در تمامی عرصه‌ها به  
ارمان داشته است. جنگی که رژیم  
جمهوری اسلامی در تحمیل آن و نیز  
در وسعت بخشیدن به آن از هیچ  
گونه سببیتی فرو گذاری نکرده

است بر ابعاد جنایت بار آن  
هر روز بیشتر از روز پیش افزوده  
است.

خلق کرد سال نورا در حالی  
آغاز میکند که جنگ در کردستان به  
مرحله حاسی قدم گذارده است  
و با اتکاء به تجربه پنج سال  
گذشته، پیشروان مسلح آن، در -  
اتقی نقاط کردستان خواب راحت را  
از مزدوران و جلادان رژیم سلب  
نموده‌اند و آنها را در سرتاسر  
کردستان قبرمان در درون لانه‌های  
خود بزدان کشیده‌اند و هر لحظه  
و در هر جایی در سرتاسر منطقه  
ضربدای را بر پیکر آن وارد -  
میاورند.

خلق کرد سال نورا زمانی به  
استقبال می‌رود که رژیم با تمامی  
تلاش‌های بی نرجام خود نتوانسته  
است در طول نه تنها سال گذشته،  
بلکه در طول تمامی پنج سال -  
گذشته، خلقی در اراده استوار و  
آشتی ناپذیر او صبی بر احقاق  
حقوق انقلابی دمکراتیک آن وارد  
آورده، بر هیچگونه پیروزی -

پایداری دست یابد. در سال  
گذشته اگر چه نیروهای سیاسی  
خلق کرد، بخش وسیعی از مناطقی  
آزاد شده را از دست دادند، لیکن  
با تمامی توان و امکانات خود  
جنگ پارتیزانی گسترده‌ای را در -  
بست حید دشمن سازمان دادند که  
نه تنها تمامی موقتیهای رژیم  
را خنثی کرد، بلکه او را در جبهه  
گسترده‌ای بوست تمامی کردستان  
در گیر جنگی کرد که هیچ چشم اندازی

بد جزنا بودی برای رژیم جمهوری  
اسلامی در پیش روی ندارد.  
سال نورا به سال پیروزیهای ه  
چه بیشتر، به سال تحریک انقلابی  
گسترده و سال وحدت صفوف مبارز  
برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و  
استقرار یک جمهوری دمکراتیک  
متکی بر ارگانهای ملی  
توده‌ای، مبدل سازیم.  
سال نورا به سال تعرض هر چه  
بیشتر بر مزدوران جنایتکار رژیم  
نه تنها در کردستان بلکه در  
سراسر ایران به انحاء گوناگون  
و سال موقتی توده‌های زحمتکش  
مبدل سازیم.

بپار، برای زحمتکشان خلقی کرد  
زمانی خجسته خواهد بود که آنی  
به خواستهای برحق خود دست  
یافته باشند و بپار شکوفان زندگی  
نوبنی را آغاز کرده باشند  
با آرزوی چنین پیروزی بزرگ  
و با امید رهائی از قید بند  
تم و استعمار، سال نورا باشکو  
هر چه بیشتر آغاز کنیم و آنها به  
سال غربت هر چه کوینده تر  
بپار رژیم جمهوری اسلامی  
پیروزی مبارزات انقلابی  
دمکراتیک خلق کرد، مبدل سازیم



# عملیات ...

از صحنه ۱

با از پایگاه‌هایی هستند، چابکان -  
وجود آباد به یاری مزدوران تا مین  
کسب داشتند و از پایگاه‌های  
اطراف مواضع پیشمرگان را زیر  
آتش سلاح سنگین گرفتند، اما از آنجا  
به نقاط استراتژیک مشرف به  
ناده در کنترل پیشمرگان بود ،  
مزدوران اعزامی نتوانستند به  
منطقه عملیات پیشروی کنند و از  
راه دور مبادرت به تیر اندازی  
بوسی پیشمرگان نمودند و بطور  
حیانه‌ای تمام منطقه را زیر  
آتش خمپاره و کالیبر ۵۰ -  
گرفتند .

در این درگیری بیش از ۹۰ تن از  
مزدوران به هلاکت رسیدند و تعداد  
زیادی از آنان نیز زخمی شدند  
و در پایان عملیات بدستور فرمانده  
نظامی پیشمرگان از جمع آوری غنائم  
بجودداری شد و منطقه عملیات در حالیکه  
با شمارهای درود بر فدائی  
ترک بر رژیم جمهوری اسلامی -

بلرزه در آمده بود، از سوی  
پیشمرگان تخلیه شد و همه آنها،  
تالم به پایگاه‌های خود بازگشتند .

## ده و بیستار

روز ۲۰ بهمن ماه مزدوران رژیم  
جمهوری اسلامی از سه منطقه  
شرف تکاب و گل تپه، حدود ۳۰  
روستا را مورد یورش قرار دادند  
و نیروی وسیعی را مرکب از ۵۰ الی  
۸ هزار نفر ملحق با انواع سلاحهای  
یک و سگین به منطقه اعزام  
داشتند که با مقاومت سرخشان  
پیشمرگان حزب دمکرات کردستان  
ایران روبرو شدند .

ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه با تعداد روز  
۲۰ بهمن ماه پیشمرگان فدائی با  
شدن مدای درگیری خود را به  
منطقه درگیری رساندند . گسسه  
بیشتر ارتفاعات مشرف به  
روستاهای اطراف توسط مزدوران  
رژیم با شغال در آمده بود -  
تمامی روستاهای منطقه وسیع  
درگیری بمواقع پیشمرگان به  
کاتیوشا، توپ ۱۰۰ میلیتری ،  
خنجرهای ۱۲۰ و ۸۱، دوشک و کالیبر  
۵۰ ، زیر آتش مزدوران قرار داشت  
ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر  
محض پایین رفتن مزدوران از  
ارتفاعات روستاهای توانا نجوق،  
قره‌ناو، پیشمرگان فدائی ارتفاعات  
مشرف بروستای قره‌ناو را به  
کنترل خود در آوردند و یک دسته

از پیشمرگان بداخل روستا نفوذ  
کرده و محل استقرار چابکان  
و پاسداران را به گلوله بستند

که بیش از ۴ نفر از مسز دوران  
به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی  
شدند، پیشمرگان بعد از پایان  
این عملیات مشفقانه درگیری را  
ترک گفتند .

پیشمرگان فدائی فردای آنروز  
به کمک زخمی‌های حزب دمکرات که  
در این درگیری ۱۹ پیشمرگ آنها به  
شهادت رسیده بودند، شناختند .  
آمار تلفات دشمن در این در -  
گیری بیش از ۱۵۰ نفر بود .

\*\*\*

روز دهم ماه پیشمرگان  
فدائی در ادامه جوله سیاسی و  
نظامی خود وارد روستای طاهر -  
بوغه شدند، دشمن که از حضور  
پیشمرگان اطلاع یافته بود بطرف  
یکی از رنق‌های پیشمرگ که به  
دیدبانی مشغول بود تیراندازی  
می‌نماید، با شلیک متقابل رنق‌های  
پیشمرگ کلیه رنق‌ها - نقاط  
استراتژیک را بکنترل در آوردند  
و مزدوران مستقر در پایگاه را  
زیر آتش گرفتند، در این درگیری  
گروه مدت دو نفر از مسز دوران ،  
به هلاکت رسیدند و تنی چند از آنان  
که از پایگاه خارج شده بودند  
مجدداً به سوراخ‌های خود خزیدند  
پیشمرگان همگی سالم منطقه را  
ترک گفتند .

## کارل مارکسی

از شماره ۱۴

نظر ایدئولوژیک سیاسی بلکه  
عملاً نیز از صفوف طبقه کارگر  
بیرون ریخته بود پس چنین  
خلاقیت و توانایی شگرفی است که  
امروز در عصر ما بر میراث -  
جاودات مارکس، نام لنین کبیر  
نیز افزوده شده است و لنینیم  
بیان واقعی و مفهوم وفاداری به  
آموزش‌های مارکس را پیدا کرده  
است امروز دیگر نام مارکس بر  
تمامی مبارزات انقلابی طبقه  
کارگر را بر جهان و بر پرچم  
رخ آنان نقش بسته است و شور و  
سویالیستی او به راهنمای  
جاودانه طبقه کارگر در رهبری  
از قید و بند نظام سرمایه‌داری  
نیان جامعه تاری از شکم و  
استفادگی گشته است .

## برگزاری مراسم ۱۹ و ۲۰ بهمن ماه توسط پیشمرگان فدائی

زبان کردی به روی صحنه آوردند

که مورد استقبال زحمتکشان قرار  
گرفت . در خلال برنامه‌ها، سرودها  
و ترانه‌های انقلابی به زبانهای  
ترکی، کردی، لری و فارسی توسط  
پیشمرگان اجرا شد . همچنین از  
جانبازیهای شیدای خلق و بخصوص  
! تن از رنق‌های پیشمرگ که سال  
گذشته در روز ۲۳ بهمن ماه در -  
یک درگیری نابرابر شهادت رسیده  
بودند تجلیل بعمل آمد .

مراسم باشکوه یادبود ۱۹  
بهمن ، چهاردهمین سالروز  
سپاهانگداری سازمان حرکت برای  
فدائی خلق ایران و ۲۲ بهمن ،  
پنجمین سالروز قیام قهرمانانه  
شوده‌ها ، در منطقه فیض‌الدینی

و همدوشار (بوکان) توسط پیشمرگان  
فدائی با شرکت زحمتکشان روستا  
های منطقه در روزهای ۱۹ و ۲۲  
بهمن ماه برگزار گردید .  
در این مراسم پیشمرگان در  
بارد این دو روز تاریخ‌سسی  
خترانی نموده و نهایتاً مدای  
را تحت عنوان (بست بازرسی) به

# تقویم خونین فدائیان خلق و برخی رویدادهای اسفندماه

تقویم خونین سازمان ما با خون هزاران فدائی خلق، با خون رشیدترین، بگیرترین مبارزین راه رهایی طبقه کارگر نوشته شده است فدائیان که منادیان عظیم ناپذیری کمونیست‌ها و بیثار گری و فداکاری آنها در راه تحقق آرمانهای والای - شریعت که همانا آرمان انقلابی طبقه پیشرو جامعه یعنی طبقه کارگر است بودند و به تنهایی با زندگی پرتلاش خود بلکه با نثار بیدریخ خویشان تیسز بر هدف خود پای نکرده، و بد پاس همین پافشاری نیز در قلب توده‌های زحمتکش میهنان جاودانه گشته‌اند و همانطور که رژیم منفور پهلوی نتوانست خشم و نفرت این انقلابیون جان بر کف را (که انعکاس خشم توده‌های محروم اعم از کارگران و زحمتکشان خلقیای سراسر ایران بود) فرس ملایا و گامهای استوار -

آنها را با اعدام و شکنجه و زندان یک لحظه از حرکت باز - دارد، رژیم صهیونی املای نیکسز با همه ده منی و بیعت ارتجائی خود نخواهد توانست از اراده خلل ناپذیر آنها منی بر درهم شکنن کامل املی او با بر بیدختی و فقر و محرومیت توده‌های میلیونی کارگران زحمتکشان یعنی نظام سرمایه‌داری وابسته بد امپریالیسم خلقی وارد آورد. بگذار رژیم فدائیان خلق را گروه گروه بسند جوخه‌های اعدام بنیارد، شکنجه کنند و بگذار از وحشت مرگ دست و پا بزنند در خون این بلند پروازان غرقه شود... خون سرخ آنان چون فریاد خشمشان سر بر آسمان خواهد ساییدوشعله خواهد کشید و بسای ظلم و بیاده گری را ویران خواهد کرد. به تنهایی آرمان آنها تنهایی سلاح آنها و ایدئولوژی و راه آنها بلکه نامشان نیز به نیروی

مادی عظیمی در وجود هزاران - فدائی و هر روز بیشتر از روز پیشر تجد سلاح مادی ویران کننده‌ای - تبدیل می گردد که هیچ نیروئی را یارای مقابله با آن نیست! جنون بی حد و حصر رژیم تئودر نشاند قدرت او نیت باک بیانگر اوج غنغ و زبونی او در حفظ موجودیت منحوس خود است. نشانه مرگ و زوال حتی نظام صیستی بر مزدوری سرمایه است. با گرامی داشت خاطر ا بیرین سلخووران که خون خود را وثیقه رهایی و دمکراسی و سوسیالیسم ساختند، حادها و دلآوریهای این قهرمانان و همچنین روزهای تاریخی و یاد شخصیتای مرفق در این ماه را ارج نهاده، و بگوئیم سنتای انقلابی آنان را پاس داریم، و بر تحقق اهداف آنان قاطعانه پای فشاریم.

- ۶ اسفند ۵۸: فدائی شهید سعید تقی‌تی در کرمانشاه توسط مرتجعین رسیده شد و پس از شکنجه‌ها قراوان بشیادت رسید.
- ۹ اسفند ۵۵: شهادت فدائیان خلق با بیژان زاده و بینام امیری دوان
- ۹ اسفند ۵۸: شهادت فدائی خلقی تاود امیر احدی که در شیر تریز مورد اعانت گلوله پاسداران ترار گرفت و بشیادت رسید.
- ۱۰ اسفند ۵۰: در سرگه راه روزدهم و یازدهم سال ۱۰۰ بیکارجوی ندایم خلق وقتا سعود و سعید احمدزاده و عباس و ابوالکلام فتاحی حیدتوگلی، سعیداریان غلامرضا کلوی، سیمین آرژنگ، مهدی سولانی و عبدالکریم حاجان توسط مزدوران رژیم شاه بد جوخه ها اعدام کرده شدند.
- ۱۲ اسفند ۵۲: شهادت فدائی خلق مجتبی خرم آبادی
- ۱۲ اسفند ۵۲: درگذشت جوزف اتالین

- ۱۴ اسفند ۶۱: در این روز فدائی خلق ناصر نجم‌الدینی باخسورد ن سیاوردر زندان شندج بشیادت رسید.
- ۱۴ اسفند ۴۵: در گذشت دکتر صدق رهبرجنس ملی صنعت نفت
- ۱۴ اسفند ۴۵: تولد روزالوکزامبورگ
- ۱۸ اسفند ۵۵: شهادت فدائی خلقی عبدالرضا کلانتری نیتانکی
- ۲۱ اسفند (۳ مارچ ۱۸۸۲) درگذشت برجسته‌ترین حیدر تاریخ و آموزگار کبربرولت ریای حیانی که رل مارکس
- ۲۲ اسفند ۵۰: شهادت فدائیان خلق منافقلکی، طبرفانابدل، یحیی امین نیا، حنر اردبیلی، محمد تخی زاده، امیر عرب‌هریسی، اکبر سوبد، علی نقی‌آرش و حن سرکاری.
- ۲۳، ۲۴، ۲۵ اسفند: در این روزبه ترتیب تنادای از برجسته‌ترین رفقا سازمان و از اعنا برکزیت بنامین نظام، کاظم، هادی بشیادت میرسد و نیز طی یک درگیری دیگر چند تن

- دیگر از فدائیان خلق بنا می‌های، عباس (یعقوب شکراللیبی)، امید حمید خنایار و جواد نیز بشیادت رسیدند.
- ۲۵ اسفند ۵۷: شهادت دکتر هاشم احمدزاده استاد دانشگاه اورمی توسط عوامل زمینداران و روحانیو بشیادت رسید.
- ۲۶ اسفند ۴۹: در این روز ۱۳ تن از بهترین رفقا سازمان که پس از حمله بد پایگاه فد خلقی و اندامری یا هکلدستگیر شده بود توسط مزدوران رژیم شاه بشیادت رسیدند.
- رفقا اسکندر رحیمی، هادی بنده خ لنگرودی، عباس دانش بیزادی محمدعلی محدث تندجی، هادی نازف اشرف زهرودی، هوشنگ نوری، شه الدین شیری، ناصر سفیدلی - مفاقی، اسماعلی صینی عراقی جلیل انفرادی، علی اکبرمفاپی - فراهانی، فقور حسن‌زور اصل

## گرامی باد یاد شهیدای بخون خفته خلق



## ضربات پی در پی پیشمرگان فدائی و دمکرات بر مزدوران رژیم در منطقه سردشت

روز ۲۵ اسفندماه پیشمرگان تهران فدائی با همکاری پیشمرگان حزب دمکرات کردستان از ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، جاده غانی - سردشت را در چند نقطه به کنترل درآوردند و از ساعت ۴ بعد از ظهر بیورش خود کردند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که از این حمله، ناامیدانه به هراس افتاده - بودند مواضع پیشمرگان را از پایگاههای گان سید (گانی سب) باره غانی، تووله، گورگی زیر آتش شدید توپخانه و خمپاره انداز و انواع سلاحهای سنگین و نیمه سنگین خود قرار دادند. بناید آخرین گزارش رسیده، ۴ تن از مزدوران کشته و ۳ تن زخمی گردیدند که یکی از آنها

جاش خود فروختدای بنام محمد سبیری (حدیدسبیری) بود، این عملیات ۲ ساعت به طول انجامید و پیشمرگان همگی سالم به پایگاههای خود، بازگشتند.



روز ۲۶ اسفندماه، مجدداً پیشمرگان فدائی و حزب دمکرات جاده ربط - سردشت را تا راهی پیرانشهر به کنترل خود درآوردند و در ساعت ۵ بعد از ظهر مزدوران تائین جاده را، مورد حمله شدید خود قرار دادند. درگیری شدیدی - آغاز گردید و متعاقب آن نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی طبق معمول با آتش شدید خمپاره و آرپی جی و هفت پدافند هوایی سنگینهای پیشمرگان رازیر گلوله خود گرفتند.

اتومبیلیهای گد از پیرانشهر عازم سردشت بودند وهم چنین مردم روستاهای اطراف جاده به نظاره درگیری بین پیشمرگان و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ایستاده بودند. واز نزدیک مجز و زبونی ورتب و وحشت سرکوبگران خلق کرد و عزم و اراده بولادین فرزندان دلیر آثرا مشاهده می نمودند.

طی این عملیات پایگاه - قولتی نیز توسط یک دسته دیگر از پیشمرگان با آتش موشکبازی آرپی جی و نارنجک انداز در هم کوبیده شد.

در این عملیات که تا ساعت ۳۰/۷ دقیقه بعد از ظهر ادامه داشت ۶ تن از مزدوران به هلاکت رسیدند که ۲ تن از آنها سرباز و بقیه بسیجی بودند و تعدادی نیز زخمی گردیدند.

بدستور فرمانده عملیات پیشمرگان از جمع آوری غنائم خودداری نمودند و همگی سالم به مناطق آزاد شده بازگشتند.

## نوروز خونین سنندج و اولین تجربه حاکمیت توده‌ای

بیارا مال ششین بهار مبارزه خونبار کردستان است. بیچار ۱۳۵۸ یعنی اولین بهار بعد از قیام که بهار آزادی نام گرفت برای کردستان نوروز خونین بود هنوز پیش از دو ماه از سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نگذشته بود که توپخانه ارتش رژیم تازه به قدرت خیزیده جمهوری اسلامی، به منظور درهم کوبیدن استکبار انقلابی توده‌های مسلح خلق، کردستان را شانک گرفت و با ویران کردن بسیاری از خانه‌های مکتونی تعداد بسیاری از مردم سنندج را به خاک و خون کشید. هنوز غرش برشکوه قیام بیمن، در فضای ایران طنین انداز بود که غرش میب فانتومیهای ارتش آریابری به فرمان خمینی شیر سنندج را به لرزه درآورد و هلی کوپترهای آمریکائی زن و کودک و بیرو جوان رازیر آتش

گلوله‌های خود گرفت. رژیم جمهوری اسلامی همزمان با کشتار جنایتکارانه در کردستان به منطقه ترکمن صحرا نیز تیرسورشی آورد، به اجتماع آرام مردم که دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اعتراض به جو ترور و خفقان تحمیل کرده بودند، وحشیانه حمله برد و به جای اسبگویی به خواستهای حق طلبان مردم آتش مسلسل خا بر سر روی آنان کشید. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با این کشتار های ددمستاندار همان او ان به قدرت رسیدن خود ثابت کرد که تا چند اندازه از - اعمال اراده انقلابی توده‌ها هر چه دارد تا چه میزان از روحیه مقاوم و سازش ناپذیر خلقهای انقلابی ایران بیسناک است و چرا برای نجات خود از هیچ اقدام جنایتکارانه‌ای فروگذار نمیکند

اما اعمال اراده و روحیه انقلابی توده‌های مسلح ایمن تعرفات و حشیانه رژیم جمهوری اسلامی را در هم شکست و او را وادار ساخت هم در کردستان و هم در ترکمن صحرا به خواست ایمن خلقهای مبارز تمکین نماید و در مقابل آنان سرتلیم فرود بیاورد.

در سنندج برای نخستین بار شورای انقلابی شیر با انتخاب مستقیم مردم کنترل همه امور شهبور ابدت گرفته و در ترکمن صحرا خلق ترکمن با تاسیس ستاد مرکزی شورا های دهقانی بر سرنوشت خویش حاکم گردید. شورا های دهقانی ترکمن محرا و بسنگد - های سنندج اولین اشکال نطندهای اعمال حاکمیت توده‌ای بودند که با مقاومت دنیارانه و حماسه - آفرین توده‌های خلق پدیدار شدند و پیشاپه سنگ سانی (اعمال) حاکمیت توده‌ای در تاریخ مبارزات انقلابی مردم مبین ماب شدت رسیده است. اگر چه این دستاورد - های استکبار انقلابی توده‌ها، به خاطر ضعف تنگ و نقدان سازمان - بانگی براسری جنبش توده‌ها

# بیماران خجسته باد

سرای کارگردستان  
خجسته برای سران ایران

بیمار را تویی آید  
در چشمهای تو میخندد  
وسال تو  
با میلاد خجسته تو آغاز میگردد.

خورشید روزهای روشن فردا  
در نفسهای تفته تو  
لانده کرده است  
ای همیشه جاوید  
ای شتاب حوادث  
ای مدای تو

هزار خجسته خونین  
ای مدای آینده  
ای ملایه روشن فردا  
ای ستاره خونین انقلاب  
ای نوازش سرب گداخته  
ای ملایه امیدهای خروشان

در سینههای تب آلود  
در آبیهای خفته نوروز  
در محنههای کشاکش امروز  
بیمار در کبکشان بازوان سترگ تو  
تعیان تو بر خاک تیره امروز  
نطفه بسته است

نوروز  
روز تو  
روز رهائی توست!

نوروز  
در قلب بزرگ تو  
در سینه ستبر تو  
در پهنه های پهنه بسته تو  
در چاههای کجباران  
در کوره های داغ ذوب آهن  
در خنده های تنگ سرچشمه  
در زیر آب  
در آبادان  
در تبریز و در تبریزان  
تولدی ابدی خواهی یافت.

نوروز  
از زخمدارهای زخم تو  
خواهد رست

نوروز  
در چشم های تو  
در دست سیمگین تو  
خواهد نکنت  
خجسته نثار زمستان  
تثقت امید بیماران  
ای خجسته پیروز  
ای شکست یاهی

شم  
شکست  
شود.

چشان تو  
ابر بیماری  
چشان تو  
دریای نیلگون  
با چشم های توست که  
بیمار می خنجد

سبز میزویید

وقتی که خنده تو  
سیرد از راه  
نسیم بیماری  
از پیش پای نفس های تو  
سرافکنده میگذرد.

بیمار توست  
خجسته باد

از: ف. بورا پال

## تقویم خونین ...

از منته ۱۷

۲۹ اسفند ۶۰: شهادت ۶ تن از  
پیشروگان رزمنده فدائی بنامها  
تیمورستاری، منصور سعیدی، اقبای  
طا هرخوا، بیالالدین نگینداری  
خسرو قره داغی و سیروس خرده بی  
در روستاهای باشاغ طر درگیری  
با مزدوران رژیم جمهوری اسلام  
شهادت رسیدند.



۲۹ اسفند ۶۹: روز ملی شدن صنعت  
نفث



اسفند ۷۵: شهادت رفقای فدایی  
حواری نب و علی خلیقی



اسفند ۵۸: شهادت رفیق فدایی  
محمد رفیعی در شیراز



با کمک این کمیته خود، سازمان خجسته های

اندلسی خلق ایران

راه را بر انقلاب پاریس گشاید!

کمکهای مالی دریافت شده

پد شو	۵۰۰۰ ریال
بدون کد	۲۰۰۰ ریال
" "	۱۸۰۰ ریال
" "	۱۵۰۰ ریال
" "	۱۸۰۰ ریال

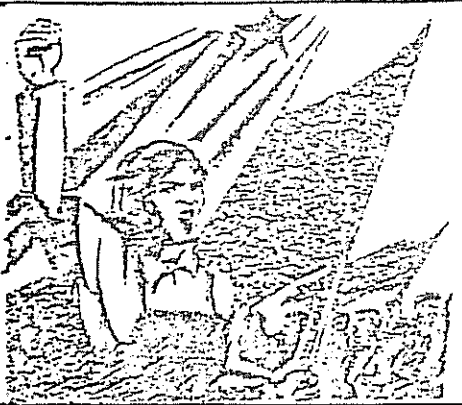
در سالگرد نخستین نوروز  
خونین یادماندهای شورور آفرین  
مقاومت توده های زحمتکش خلق کرد  
و خلق ترکمن را گرامی بداریم و  
تجارب ارزنده آنرا برای سسر  
نگونی رژیم جمهوری اسلامی و بر  
قراری جمهوری دمکراتیک خلقیکار  
بندیم.



## نوروز خونین سمننداج

از منته ۱۷

بوست رژیم درهم شکستند اما  
جبار از زمین آن دوره همچنان  
ر خاطر تاریخی توده باقی  
مانده است. آنها در ادامه این  
سارزه انقلابی و درخشان آینده  
بود آنرا کار خواهند داشت.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

### مرحله جدید جنگ ...

از منصفه ۲

اما اکنون چنین بنظر میرسد که نه آمریکا و نه اسرائیل هیچکس خواهان پیروزی قطعی رژیم جمهوری اسلامی و برهم خوردن موازنه سیاسی نظامی موجود و احتمالاً بر سرکار آمدن رژیم مثل جمهوری اسلامی در عراق نیستند.

دولت میهنیستی اسرائیل - تعالی ندارد که در عراق یک دولت مذهبی پان اسلامیست در برابر دولت پیروزی اسرائیل قرار گیرد و این امر را تهدید مستقیمی برای خود در نظر میگیرد. امپریالیسم آمریکا نیز خواهان حفظ وضعیت موازنه موجود است. چرا که اگر جنگ از محدوده های کنونی آن فراتر رود و بسا درگیریهای شدید نظامی دولتهای ایران و عراق بحران تشدید شود این امر میتواند خود به عاملی علیه امپریالیسم تبدیل شود. از سوی دیگر دولتتای ارتجاعی دیگر منطقه که از حمایت امپریالیسم آمریکا برخوردارند، موجودیت خود را در برابر پان اسلامیت توسعه طلب رژیم جمهوری اسلامی در خطر می بینند و با هرگونه پیروزی آن مخالفند.

بنابراین سیاستهای بین المللی و منطقه ای نیز در مرحله کنونی بزبان پیروزیهای رژیم عمل میکند و امکان پیروزیهای مداوم را در جنگ از وی طلب میکند. ما قبلاً گفتیم که رژیم جمهوری اسلامی با کسب پیروزیهای مداوم میتواند بحرانهای خود را تخفیف داده و اوضاع سیاسی ایران را بنفع خود تغییر دهد. اما اکنون دیگر با توجه به موارد فوق الذکر امکان پیروزیهای مداوم برای رژیم وجود ندارد و این بمعنای تشدید بحرانهای رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

توده مردمی که نزدیک به چهار سال معاش ظلم این جنگ را تحمل کرده اند بیوشتن خواهان پایان یافتن آن بوده و هستند. از جنبه اقتصادی تاثیر این جنگ بر زندگی مردم کاملاً روشن است. سطح زندگی توده های کارگر در طول جنگ پشت کاهش یافت است. اعمال سیاست اجباری تولید بیشتر و دستزد کمتری، سیاست جبرده بندی کالاهای مصرفی که توأم با کمبایی کالاهای و افزایش قیمتها بوده است سرکند

کردن توده های مردم از طریق افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، کاهش مستقیم و غیر مستقیم حقوق ها و دستمزدها،

اثرات این جنگ را بر زندگی مادی توده های مردم نشان میدهد. علاوه بر این کشته و معلول شدن دهها هزار تن از فرزندان مردم ایران در اثر جنگ، آوارگی میلیونها تن از مردم و حالت بیم و اضطراب ناشی از سببار انبساطی هوا و گلرنگ باران دولت عراق که تازه ترین نمونه های آن کشته و زخمی شدن هزاران تن از مردم میباد، کرمانشاه، بروجرد، خرم آباد و شهرهای دیگر بوده است و توأم با همه اینها معائب اجتماعی، فشارهای سیاسی و سلب حقوق انسانی توده ها، مداوم نارضاقتی آنها افزوده است. اگر تا کنون رژیم می توانست با سوار شدن بر موج پیروزیهای خود، بر نارضاقتی توده ها مبارزه کند، اکنون که مرحله جدیدی در جنگ در حال فرا رسیدن است، اگر حقیقتاً امکان تعرضات و پیروزیهای بی در پی برای رژیم ناممکن گردد، این نارضاقتیها الزاماً آشکارا بروز کرده تضادهای درونی رژیم را تشدید خواهد کرد و رژیم جمهوری اسلامی را با یک بحران گسترده روبه رو خواهد نمود.

### خاطره

### دکتر محمد مصدق ...

از منصفه ۱۳

پرووکراسی دولتی نتایجی بجز شکست قطعی را بدنبال نخواهد داشت. کما اینکه این تجربه تلخ از حمت کسان خلقیای سراسر ایران یکبار دیگر و بعد از قیام بیمن مساله تجربه کردند و امروز نه تنها تجربه تلخ سال ۱۳۳۲ بلکه تجربه تلخ خونین قیام ۲۲ بهمن و دوران حیات ننگین رژیم جمهوری اسلامی را نیز پشت سر دارند. و در طول ۶ سال گذشته بخوبی دریافته اند، که به چه کسانی اعتماد کنند و چه چیزی را در هم بشکنند تا خواستهای و آرمانهای دموکراتیک و انقلابی خود را تحقق بخشند. یاد مصدق، چهره ملی - دموکراتیک خلقیای سراسر ایران، همیشه در خاطر ما زنده خواهد ماند.

### مستور احمد زاده ...

از منصفه ۲

مسعود یادری عمیق از - برکت ییسی اجتماعی، تاریخی ایران و با شناخت واقعی از وضعیت پیشاهنگ انقلابی و تاثیرات زیانبار انقلابی سیاست های رفرفیستی حزب خائن توده مبارزه قاطعانه ای را علیه همه و هرگونه بقای انفعالی و پائینم روشنفکری شدیداً در پیش گرفت و حرکت تعرضی پیشاهنگ را برای تثبیر واقفیت موجود و شور و ایمان لازم او را برای تلاش خستگی ناپذیر در این راستای معین در کالبدی جان روشنفکران جامعه دمید. بیک بی بارودست و پیگیر روشنفکری را از هم درید و فضای جدیدی برای فعالیت - انقلابی پیشاهنگ پیش رو نهاد. تمام محتوای تاریخی اندیشه مسعود در این شعرا شورا انگیز او خلاصه میشود که می گفت:

"اگر خون قادر به بیداری توده ها است بگذار رودخانه ای خروشان از خون ما جاری شود. مهم نبود که مسعود چه راهی را برای بیداری توده ها برمیگزیند. این راه اگر خطا هم بود در ادامه خود تصحیح می شد و تصحیح هم شد، اما آنچه مهم بود عزم انبساطی راسخ، تردیدناپذیر، قاطعانه، متبورانه، شجاعانه و شورانگیز او برای بیداری توده ها بود. او آنگ و سبب یعنی پلیس سیاسی ضد انقلاب جهانی قبل از همه بین رازی برده بودند. بیستینگ سفید و واکنش انعکاسی این هراس بود!

مسعود با اندیشه های خلاق و شرف خویش خط بطلانی بر زندگی محفلی که حیات آن در پیله تنگ روابط محدود محبوس گشته بود کشید و از زمان انقلابیون ادامه کار را بنیان نهاد، و بدین وسیله نقطه عطف و فصل جدیدی را در جنبه کمونیستی ایران باز گشود که پیش انقلابی خود عنصر فدائی شد. تنیاید یک عنصر تاریخی - مبارزه بلکه بدستیا عنصر کمونیستی بدل ساخته میتردید اگر توده ها امروز فدائی را مترادف کمونیسم و کمونیست را بنام فساداتی می شناسند نتیجه خلافت و ششور سیکران ای رفیستی کیسیر بعنوان رهبریشان و بنیانگذار ایس برایش نوین جنبش کمونیستی است.

# گمبون

زمنه ۲۱

برخی اقدامات عاجل و یا اصولاً بسا عدم درک ضرورت

چنین اقداماتی عملاً فرمتیهای زیادی را از دست داده فرمتیهای لازم برای تجمع نیرو و امکانات برای سرکوب گمبون بد بورژوازی دادند!

نخست آنکه گمبون سلاطین بعد از قیام مارس و در هم شکستن ستون فقرات ارتش بورژوازی سر بنای آن که بد و رسا و گریخته بود، حمله نکرد و امکان تجدید سازماندهی بد دولت بورژوازی را داد بویژه آن که در این فرصت دولت پروس نیز دهنها هزار نفر اسیر فرانسوی را آزاد کرد تا به صفوف پشتیبانان دولت و رسای بپیوندند.

دوم آنکه گمبون یک برخورد جدی و همه جانبه با فعالیتهای ضد انقلابی و ابلهان بد دولت بورژوازی را سازمان نداد و عملاً دست آنها را در بسیاری موارد در زمینه انجام فعالیتهای ضد انقلابی محض علیه گمبون بساز گذارد.

سوم آنکه بانک فرانسه را که تمامی موجودی دولت در آن قرار داشت ملی اعلام نکرد و موجودی

آشوب نفع انقلاب معادله نمود و در حالیکه کمون برای مصارف خود بدلیل تطل برود و نیت با که از طرف کمون بر بانک نظارت داشتند براحتمی نمیتوانست از موجودی بانک برداشت نماید، تمامی موجودی آن توسط بورژوازی بد و رسای منتقل گشته و صرف مخارج تجویز نیرو برای سرکوب پاریس انقلابی می گشت ....

گمبون بد دلایل متعدد دیگری نیز چشم انداز پیروزی نداشت چرا که سرمایه داری فرانسه هنوز بد آن حد از رشد رسیده بود که چنین تحولی بتواند با موفقیت کامل روبرو شود و هنوز جامعه فرانسه عمیقاً یک جامعه خرده بورژوازی بود. و شکل کمونی حکومت بدلیل محدودیت آن به شهرها و آن هم در درجه اول به پاریس و عدم ارتباط آن با اکثریت وسیع مردم در روستا حتی در

دیگر شهرهای فرانسه و عدم ایجاد چنین ارتباطی از سوی کمون، نمیتوانست تنها با اتکا به کارگران و زحمتکاران پاریس بر سرپای خود ایستاده و حملات بورژوازی را بطور کامل در هم شکند. اما کمون علیرغم اینها به عنوان پیشواز انقلابات کارگری تجربیات ارزنده ای را از خود بر جای گذارد که در تدوین تئوری دولت و دیکتاتوری پرولتاریا، نقش اساسی داشت و در تکوین سوسیالیسم علمی مارکس بعنوان

بنیانگذاران سازمان فدائی - رفیق کبیر مسعود احمدزاده - تئوریکین بزرگ سازمان، عباس مفتاحی و تنی چند زکادریهای بر جسته فدائی، بد جوخه های تیرباران سپرده شدند. اما تاریخ نشان داد که آن قاتله را پایانی نیست، نقطه بسته شده بود و دیگر هیچ تلاشی کار باز نمی افتاد. متینگی و تعیت دیگری راهم نداشت کرد، قدرت شوخ و استعداد سرشار رفیق مسعود احمدزاده بد پلیر سیاسی شاه فیما بده بود که بایک جریان گذرا و بی ریشه روبرو نیست. ساواک درست تشخیص داده بود که مسعود احمدزاده تجلی اراده خلق انقلابی، انعکاس خشم بولادیسین پرولتاریا و بیانگر اشتیاق توده های زجر کشنده و ستمدیده بیسین در مبارزه طلبیدار مبارکالموسوی عدالتی بود، جای بد و استبداد است. زخمین رو حتی از اقدام مخفی

# مسعود

زمنه ۲۲

جمعیت او باش که تعدادشان اندک هم نبود، با شعار "تاملین سیاکل اعدام ساید گردنت، علیرغم تبلیغات خود، موجودیت واقعی فدائی را اعلام کردند، و فریادهای وحش زده آنان برخلاف انتظارشان اهمیت بیدایش فدائی را بگوش چپانیان رسانید.

جمعیت او باش پس بسبب خباثان فردوسی بر آه افتاد و در میدان فردوسی قطعه ای خود را که نقطه خواتار اعدام رهبران فدائی شده بود تراشت کرد. یک هفته بعد از این متینگی فرمایشی، اولین رهبران و

نقطه عطفی مهم و اساسی تلقی می گردد. کمون بعد از ۲۲ روز حکومت شکست خورد و در زیر بورش همسه جانبه بورژوازی تا آخرین گلوله و تا آخرین سنگر ایستادگی نمود، اما هرگز اهدافی را که کمون تجلی آشکار آنها بود، از میان نرفتند بلکه هر روز بیشتر از روز پیش و با شکوه و جلای هر چه بیشتری مطرح گشتند و امروز در بخش وسیعی از جهان تحقق یافته اند

اگر چه کموناردهای قهرمان پاریس که با تمام وجود خود از آرمانهای انقلابی شان دفاع نمود و جان را در راه تحقق آنها فدا نمودند لیکن با خون خود آرمانها خود را که همانا آرمان ...

پرولتاریای جهانی است با ودانه ساختند. فریاد پر طنین زنده با د کمون آنها اینک بعد از یکصد و سیزده سال هنوز هم هر سال در اقصی نقاط جهان در فریادهای پر خروش طبقه کارگر از پیش زنده نگاه داشته میشود. با گرامی داشت خاطره پرشکوه کارگران قهرمانی که کمون را خلق نموده، جان خود را در راه حفظ آن و تحقق اهداف انقلابی شان فدا نمودند، از تجربیات نخستین حکومت کارگری جهان هر چه بیشتر بنام موزیم و در راه پر شگوهشان مصمم تربید پیش تا زیم.

آنها نیز دچار بیم و هراس نشده بودند اشتیاق مفرط مسعود بسبب پرولتاریای انقلابی، نفسرت عمیق او به طبقه سرمایه دار، قاطعیت و عزم بولادین او و انسان رادرجایگاه پر جبروت شان - میخکوب کرده بود. این بیگ حقیقت تاریخی است که محتوای عمیق خود را در موجودیت خود و واکنش قدرتمندترین دشمن توده ها آنیم در اوج قدرت خویش. د مقابل عظمت این حتی و نقیض تاریخی این کنش نشان داده است. ندخائنین توده ای ساکثریتی گام نمی خواستند و نمی توانستند با این اهمیت بی برندوند آن خرده ریب کودنهای سیاسی که تصور میکنند قدرت اندیشه های متبورانه مسعود از لوله تفنگ جریک بیرون بربند است هیچکدام اهمیت عظیم این حقیقت تاریخی را درک نکرده اند و نمی توانستند درک کنند.

# گمراهی

از صفحه ۲۲

"تاروز دوم دسامبر (روز کودتای لوثی بناپارت) این انقلاب نمیی از کارهای تدارکاتی خودرابه پایان رسانده واکسون به نیم دیگر آن پایان میبخشد . این انقلاب بدو قدرت پارلمانی را به حدکمال میرساند تا امکان واژگون ساختن آن را بدست آورد و اکنون که در این امر توفیق یافته، توه مجریه را به حدکمال میرساند، آنرا به شکل تمام عیار خود در میآورد ، منفردش میازد و بسه عنوان یگانه عامل در خورد و سرزنش در منطقه مقابل خود قرار میدهد تا همه نیروهای مغرب خود را علیه آن تمرکز دهد ."

در حقیقت پرولتاریای پاریس در ۱۸۷۱ علیه " این یگانه عامل در خورد سرزنش" قیام نمود و تمام "نیروی مغرب خود را علیه آن" - متمرکز نمود و در ۱۸ مارس فربه کاری خود را برپیکر آن وارد آورد، نه تنها آنرا درهم شکست بلکه جایگزین آنرا نیز ارائه داد و عملا مستقر ساخت .

در آستانه قیام ۱۸ مارس ، امپراطوری بناپارت که با اتکال بر این " یگانه عامل در خورد" سرزنش " نزدیک به دوده حکومت خودکامه خود را بر فرانسه تحمیل کرده بود ، در یک جنگ ماجرا - جویانه با شکست مواجه شده و از هم پاشیده بود و حتی خود امپراطور هم به اسارت دولت پروس درآمده بود .

با از هم پاشیدن شیرازه - امپراطوری و در شرایطی که نیروهای فاتح تاپشت دروازه های پاریس پیروزی کرده بود ، از یک - سوی بورژوازی فرانسه در تلاش آن بود که به هر طریق ممکن بر اوضاع - مسلط شده به مصالحه با - پروس بپردازد و آنچه را که در آستانه از هم پاشیدن بود ، - دوباره احیا نماید و از سوی دیگر کارگران و زحمتکشان ، با مسلح شدن و تشکیل گارد ملی خود را آماده دفاع از پاریس قهرمان و نبرد با ارتش اشغالگر می نمود . بورژوازی در هر اس از تلخ و تشکل توده ها با دستپاچی تمام دولت دفاع - ملی را اعلام نمود ، و در حقیقت

ا بر هدف خود را در درجه اول نه مقابل با نیروی اشغالگر بلکه با تشکل های گسترش یافته انقلاب قرار داد و برای نیل بدین منظور باب مذاکره با دولت پروس را تحت عنوان مختلف آغاز نمود وزیر پوشش با سازی ارتش، اولین - اقدامات عملی خود ، خلق سلاح گارد ملی را آغاز کرد و در شانگاه ۱۸ مارس ۱۸۷۱ با صدور بیانیهای به بیانه باز پس گرفتن توپهای متعلق به ارتش ، دستور حمله به نیروهای مسلح توده ای مستقر در " مون مارتر" را صادر نمود .

گارد ملی در مقابل این اقدام خا شانده دولت دفاع ملی " تی پیر" مقاومت نموده ، نیروهای اعزامی را منهدم ساخت ، طی بیانیه ای دولت تی پیر را دولت " خیانت ملی" و دشمن منافع توده ها اعلام داشت .

و کمیته مرکزی گارد ملی - متعاقب پیروزی ۱۸ مارس کنترل تمامی شهر را در دست گرفت و پرچم سرخ انقلاب را بر فراز تمامی محلات پاریس به اهتزاز در آورد و حکومت کمون را اعلام نمود .

شور و شغف زائد الوافی تمامی محلات پاریس را فراگرفت ، سرمایه داران و وابستگان به دولت بورژوازی از پاریس گریختند و به دولت ضد انقلابی تی پیر که در ورای مستقر شده بود ، پیوستند و دستگیری و محاکمه خائنان و ضد انقلابیون آغاز گردید و برای اولین بار در تاریخ انقلابات - اکثریت توده های انقلابی حکومتی از خودشان را بر روی صحنه تاریخ مستقر ساختند .

کمون در نخستین اعلامیه های خود ، انحلال ارتش و تمام ارگان های سرکوب و بوروکراتیک از جمله پلیس و دادگاهها را اعلام داشته ، تشکیل ارتش مسلح توده ای و ارگانهای کنترل توده ای در - محلات پاریس را بعنوان یک برنامه عاجل مطرح و عملی ساخت . و تمامی امتیازات متعلق به وابستگان دولت بوروکراسی را علیه اعلام نموده ، و برای هر یک از کارکنان کمون حتی بالاترین مسئولین آن نیز حقوقی در حد یک کارگر ساده تعیین نمود و قابل تنفیذ و تنفیذ بودن نمایندگان در هر سطح و موقعیتی را از سوی منتخبین آنها بعنوان یک اصل اولیه اعلام داشت . و بدین وسیله نوع - جدیدی از دولت را برای اولین بار

بوجود آورد که در آن ارگانها نه تنها مجریه بلکه مقننه نیز بودند و بر مبنای ضرورتهای عملی تصمیمات را آغاز و راهبده اجرا در می آوردند .

کمون در طول حکومت بسیار کوتاه ۷۲ روزه خود به موازات - دگرگونی در ساخت حاکمیت سیاسی هرگونه دخالت کلیسا را مورد - سیاسی را طغی و کلیسا را بعنوان تطبیق کننده نظم ظالمانه بورژوازی ، افتانموده ، جدائی دین از دولت را اعلام کرد و هر گونه آموزش دینی را از برناممه های آموزشی مدارس حذف نمود و اختیارات آنرا محدود به مسائل مربوط به عبادات و غیره ساخت .

کمون بعنوان اقدامات عاجل در بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان ، جریمه های متعدد بر مایه داران را لغو نمود ، کسرنمودن بخشی از دستمزده کارگران را بعنوان بند و خنده ای برای دوران بیری ملی اعلام نمود ، بیون زحمتکشان به بانکها را ملنی و استرداد دودبینه های آنها را از بانکهای رهنی و غیره خواستار شد و بدین وسیله بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان را از شر رباخواران و بانکدارها ساخت ، کارشانه کارگران - نانوازی را ممنوع اعلام نمود و بدین وسیله ساعات کار آنها را محدود ساخت و . . . . .

کمون از همان فردای بسه قدرت رسیدن فرمان ضبط کارخانه هایی را که صاحبان آنها بسه دولت ورای پیوسته بودند صادر کرد و تحویل آنها بدستکاران و کارگری را مقرر داشت و بدین وسیله اولین تعاونیهای کارگری که کنترل تولید و توزیع را در کارخانه های پاریس به دست گرفتند بودند ، بوجود آمد . . .

اما کمون با تمام شقاوت خود ، بعنوان نقطه تظنی در - مبارزات طبقه کارگر اشتباهات زیادی را نیز مرتکب گشت که در نتیجه آنها عمر آن هرچه کوتاهتر گشت . اکثریت قریب به اتفاق - اعضای کمون را بلاکیت های پرودونیت های افراد متاثر از آنها تشکیل میدادند و این در جریان بنابه دیدگاههای نحرانی که داشتند تا جزا زد در قانونمندیه سازد طبقاتی بوده و با جلوگیری

حقیقت ملی در نخبین سسر نوشت خویش حق مسلم آنهاست

# مسعود احمدزاده

## سمبل يك کمونیست پرشور و خلاق



ده سال بعد از فروکش آخرین تک جوشهای انقلابی سالهای ۴۲-۱۳۴۱ ده سال بعد از آخرین تظاهرات خونین خیابانی، ده سال بعد از برجیده شدن آخرین تجمعیهای سیاسی.

آری، بعد از ده سال کون و خفقان ورکود، میدان توپخانه تهران همه تاخت و تاز جدیدی شد، اینبار دسته‌های اوپاش پایدی سرمایه‌داران، کارمندان، پرسنل دولتی و نوکران جیره‌خوار شاه بفریان او کرده آمده بودند، تا تسلی قلب او شوند، تا هراسی سرمایه‌داران را از خشم توفنده مردم انقلابی پوشیده دارند، آنها آمده بودند، تا کاخ پوتالی سلطنت را چند مباحی دیگر پا بر جا بدارند.

آنان روز دوم اسفند ۳۵، روی ردپای زنجیر تانکیهای کد - هنوز بر سنگفرش خیابان سید سر جای مانده بود، گرد آمده بودند تا ظاهراً، وفاداری مردم را به پدربا جدار خود به شیوت رسانند، آنان اما با این میتینگ شک فقط هراسی وحشت خود را عریان نبودند، در حقیقت راز بزرگی را

نیز فاش ساختند. آنان خبر از نطفه بستن قدرتی دادند که رسالت سازماندهی طبقه کارگر یعنی گورکنان نظم بورژوازی را بپذیرده می‌گرفت.

در صفحه ۲۶

# گمبون پاریس

## اولین حکومت کارگری

بنیاد  
یکصد و بیست و هفتین  
سالگرد

خونین و تیرمانندای راز سر گذرانده بود و آنچه که در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ اتفاق افتاد، بدون ارتباط با مبارزات گذشته و نتایج آن نبود. در حقیقت کمون ادامه بلا انقطاع انقلاب ۱۸۴۸ بود. قیام زوشن برولتاریای پاریس بود. کمون محصول آموزش طبقه کارگر در مکتب علمی مبارزه - طبقاتی و دستاوردهای آن بود. مارکس در همین زمینه و در ارزیابی نتایج انقلاب ۱۸۴۸ دقیقاً بدایر مثل برداشته و روند آتی حرکت انقلاب را چنین ترسیم میکند.

در صفحه ۲۱

۲۷ اسفندماه معادف با یکصد و بیست و هفتین سالگرد تشکیل کمون پاریس نخستین حکومت کارگری جهان است. در چنین روزی یعنی در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ برولتاریای فرانسه، طی قیام تیرمانندای کنترل شهر پاریس را بدست گرفته، حمله بورژوازی را درهم شکست و استقرار کمون پاریس را اعلام داشت.

طبقه کارگر فرانسوی بعنوان پیشاز برولتاریای قرن نوزدهم، در آستانه کمون و در مبارزات - نسل از آن تجریبات بسیاری را بستر گذاشته بود و مبارزات

# روز جهانی زن

## برزنان زحمتکش گرامی باد

روز ۷: اسفند برابر با ۸ مارس روز همبستگی جهانی زنان است. ۸ مارس ۱۹۰۸ یعنی ۷۵ سال پیش در چنین روزی هزاران تن از زنان قهرمان کارگر نساجی آمریکا علیه ستم سرمایه و دست یابی به حقوق دمکراتیک خویش دست به اعتراض گسترده‌ای زدند آنان خواهان پایان دادن به توانین غیر انسانی ۱۲ ساعته کار روزانه برای زنان و اشتغال کودکان بودند.

این اعتراض بزرگ از شهر نیویورک یعنی بزرگترین شهر صنعتی آمریکا آغاز شد و حمایت و همبستگی بسیاری از زنان زحمتکش انگلیسی جهانی وسیع پیدا کرد. خواستهای بحق زنان در این اعتراض که علاوه بر تقبل ساعات کار و عدم اشتغال کودکان بدست آوردن حق رای نیز نسر آ افزوده شده بود، تحقق پیدا نکرد اما با ادامه این مبارزات گسترش دادند آن به بقیه کشور های جهان باعث شد تا زنان بعضی زیادی از این خواستها از جمله حق رای دست یابند.

دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۰ کنفرانس بین المللی زنان در کپنهاگ به پیشنهاد کلارا زتکی یکی از رهبران جنبش بین المللی کارگری این روز بعنوان روز جهانی زن نامگذاری شد و از آن پس هر ساله زنان و مردان کارگرو زحمتکش آنگاه و سارز سراسر جهان با گرامی داشت این روز تا ریخ همبستگی و اتحاد خود راهر چند بیشتر تقویت کرده و تحکیم بخش

جنبش دمکراتیک زنان در جوامع سرمایه‌داری برای اعاده حقوق طبقاتی تا کنون، پایمال شده‌اند وارد مرحله جدیدی گشته تولید سرمایه‌داری که بستنی بر بپهر کشی از کار مزدوری و اشتغال کارگران استوار است، با حفظ

در صفحه ۱۲